

ARMY LANGUAGE SCHOOL



PRESIDIO of MONTEREY, CALIFORNIA

РУССКИЙ

БЪЛГАРСКИ

СРПСКО ХРВАТСКИ

POLSKI

華語

粵語

SHQIP

ČESKY

MAGYAR

ΕΛΛΗΝΙΚΑ

日本語

한국어

TURKÇE

ESPAÑOL

PORTUGUÊS

FRANÇAIS

فارسی

العربی

ROMÂNĂ

SVENSKA

DANSK

NORSK

ITALIANO

DEUTSCH

DIALOGUES FOR TRAINING
INTELLIGENCE LINGUISTS

(ANSWERS)

PERSIAN
LANGUAGE DEPARTMENT

U.S. Army Language School,
" Monterey, Calif.

DIALOGUE FOR TRAINING INTELLIGENCE LINGUISTS

(ANSWERS)

[2]

AUGUST 1954

PERSIAN LANGUAGE DEPARTMENT

ARMY LANGUAGE SCHOOL

PRESIDIO OF MONTEREY, CALIFORNIA

PK6239
U532

سوال و جواب برای
تربیت مترجمین ادارات اطلاعات ارتش
(ترجمه از انگلیسی)

جلد دوم - جوابها

نوامبر - ۱۹۵۳

مدرسه زبان ارتش
پرسید یوی مانتری
کالیفرنیا

vF 9 Dec. 1964

فهرست مندرجات

جوابها

صفحه	موضوع
	زرد رنگ
۲-۱	قسمت اول
۴-۳	قسمت دوم
	زره پوش
۶-۴	قسمت اول
۹-۷	قسمت دوم
۱۱-۱۰	پیاپی نظام زره پوش، (زرهدار)
	هینکس
۱۲	قسمت اول
۱۴-۱۳	قسمت دوم
	خدمه تیراندازی آتشبار صحرائی
۱۶-۱۵	قسمت اول
۱۸-۱۷	قسمت دوم
۲۱-۱۹	دیده بان خط مقدم توپخانه صحرائی
۲۳-۲۲	انسور رابط توپخانه صحرائی
	انسوران رابط (هنک)
۲۵-۲۴	قسمت اول
۲۷-۲۵	قسمت دوم
۲۸-۲۷	قسمت سوم
۳۱-۲۸	قسمت چهارم
۳۱	قسمت پنجم
۳۲	قسمت ششم

تیرانداز مسلسل

۳۳

مامورین بهداری

۳۶-۳۴

قسمت اول

۳۷-۳۶

قسمت دوم

۳۹-۳۸

امر بر

۴۰

جوخه خمپاره انداز

سازمان و ساز و برگ

۴۱

قسمت اول

۴۳-۴۲

قسمت دوم

۴۵-۴۳

قسمت سوم

۴۷-۴۵

قسمت چهارم

۴۸-۴۷

قسمت پنجم

۵۰-۴۹

رئیس گشتی

۵۲-۵۰

گشتی

۵۳-۵۲

متصدی رادیو

۵۴-۵۳

اکتشاف

تیرانداز تفنگ

۵۶-۵۵

قسمت اول

۵۷-۵۶

قسمت دوم

۵۹-۵۷

قسمت سوم

۶۰-۵۹

قسمت چهارم

۶۱-۶۰

قسمت پنجم

۶۲ - ۶۴

افسر ویژه ستاد

۶۴ - ۶۵

خصوصیات زمین

۶۵ - ۶۶

قسمت اول

۶۶ - ۶۷

قسمت دوم

۶۷ - ۶۹

قسمت سوم

قسمت چهارم

ژد تانك - قسمت ۱

(جوابها)

- ۱- اسعم كارلوس رييس مدينا است .
- ۲- در گردان دو هنگ ۱۱۲ پیاده هستیم .
- ۳- گروهان ضد تانك .
- ۴- بطرف یکی از توپهای خودتان میرویم .
- ۵- توپ ۷۵ م ضد تانك .
- ۶- گروهان ما دو دسته دارد و هر دسته هم دو توپ دارد .
- ۷- با آنها میتوانیم بیدفی که در ۱۳/۷۳۰ یاردی باشد تیراندازی کنیم .
- ۸- تا چهار اینچ قطر .
- ۹- مواد شدید الانفجار و فسفر سفید .
- ۱۰- در محل تقاطع جاده ۷۷ و ۳۰ .
- ۱۱- فقط یکی .
- ۱۲- یکی از گروهانهای پیاده با يك مسلسل و يك جوخه پیاده سر دو راهی موضع گرفته اند .
- ۱۳- يك دو راهی دیگر هم هست که باید با توپ دیگر محافظت بشود .
- ۱۴- تقریباً ۴۰۰ یارد در مشرق محلیکه من در آنجا دستگیر شدم .
- ۱۵- يك جوخه پیاده نظام .
- ۱۶- چند مین ضد تانك و چند مین ضد نفرات .
- ۱۷- دو تا کامیون دو تن و نیمی از کار افتاده جاده را مسدود کرده است .
- ۱۸- میند سین يك مانع با درخت و تخته سنگ در آنجا ساخته اند .
- ۱۹- حتماً جناح دیگر گردان از نزدیک شدن تانکهای دشمن بجهده آنها است . محل قبایلی آنها را درست نمیدانم .
- ۲۰- در حدود ۱۰ کلو له شدید الانفجار ، ۵ کلو له فسفر سفید و ۲۵ کلو له شدید الانفجار ضد تانك .
- ۲۱- نه ، يك مقدار کلو له اضافی هم لازم داشتیم . ما قصد نداشتیم آن موضع را تراب کنیم .

- ۲۲- ۲ انفسر ، ۶۵ سرباز و درجه دار .
- ۲۳- يك گروه ارکان ، يك دسته حامل مهمات .
- ۲۴- در پاسگاه فرماندهی گروهان است .
- ۲۵- در حال حاضر يك رادیوی کهنه پیاده نظام از نوع اس سی آر - ۳۰۰ .
رادیوهای خوبی نیستند و باتری آنها زیاد دوام نمیکند .
- ۲۶- شنیده ام که احتمال دارد بزودی چند تا پی آر سی - ۱۰ برایمان
بفرستند . از قرار معلوم سبکتر و دایره عمل آنها بیشتر از رادیوهای
اس سی آر - ۳۰۰ است .
- ۲۷- هر قسمتی يك خط تلفنی صحرائی دارد که با نزدیکترین پاسگاه فرماندهی
گروهان پیاده نظام ارتباط دارد .
- ۲۸- در هر گروهان پیاده يك دستگاه موشک انداز داریم .
- ۲۹- اسم آن بازو کا است . کالیبر آن ۲/۳۶ . بی خان است و لوله آن تا میشود .
- ۳۰- این اسلحه را روی شانه میگذارند و ممکن است ایستاده ، نشسته یا در
حال دراز کش با آن تیراندازی کرد .
- ۳۱- مواد شدید انفجار ، مواد شدید انفجار ضد تانک و فسفر سفید .
- ۳۲- با تفنگ نارنجک انداز مجهز است . يك نوع نارنجک انداز دارند که در سر
لوله تفنگ نصب میشود و باین وسیله میتوانند با گلوله های شدید انفجار
ضد تانک یا فسفر سفید تیراندازی کنند .
- ۳۳- دوره دو ماهه آموزشگاه دفاع ضد ارباب های جنگی و تانک را دیده ام .
- ۳۴- آنها بی راکه تا بحال بشما گفته ام توپ ۷۵ مم ، بازو کا ی ۲/۳۶ ، تفنگ نارنجک
انداز و توپ ۵۷ مم و کمی راجع به مین های ضد تانک .
- ۳۵- آخرین مدل (م-۱-آ-۱) ۱۵/۸،/ پوند وزن دارد .
- ۳۶- حالا تمام واحد ها با آخرین مدل (م-۱-آ-۱) مجهزند .
- ۳۷- در حدود ۱۶ اینچ .
- ۳۸- ۷۰۰ یارد .

۱- وزن هر دو نوع لوله های شدید انفجار، پودر تانکی و چاه فسفر سفید،
۳/۴ پوند است. ما یک موشک دیگر هم داریم که برای تعلیمات استعمال
میکنیم، وزن آن هم همین قدر است.

۲- یک دور بین کوچک شیشه دار (مثل آنچه بزوکاشای شما دارد) در کنار
لوله بزوکا نصب شده است. هم پنین دستگاه مدرج دیگری هم دارد
که روی آن از صفر تا ۶۰۰ یارد برای فواصل پنجاه یاردی تقسیم
شده است.

۳- با آنها میتوان موشک‌هایی که برای علامت در شب استعمال میکنند، بیندازیم.

۴- برد نهائی هر دو در حدود ۲۰۰ تا ۳۳۰ یارد است. اگر بخواهیم

به این فاصله تیراندازی کنیم باید فشنگ نارنجک م - ۷ - بکار ببریم.

۵- تیراندازها میتوانند ایستاده، نشسته و یا دراز کش با آن تیراندازی کنند.

بازر کلی در وضع دراز کش، تیراندازی دقیقتر است ولی با تمرین

کافی ممکن است ایستاده یا بزانو هم آنرا بخوبی بکار برد.

۶- یکی از بهترین وضع‌ها برای تیراندازی قائم، وضع نشسته است ولی

این نوع تیراندازی بر ضد زره، زیاد دقیق نیست.

۷- بیشتر بدیوارهای تانک، اگر گلوله به شنی تانک بخورد، تانک را موقتا

فلج میکند. زره زیر و دیوارهای تانک‌ها از زره قسمتهای دیگر آن

نازکتر است و از این جهت سعی میکنیم به این قسمتها تیراندازی کنیم.

۸- برد نهائی ۴۳۴۰ یارد است ولی روی شیشه دور بین نشانه روی فقط تا

۱۱۰۰ یارد درجه بندی شده است.

۹- بله، نزدیک دور بین نشانه روی چراغ کوچکی نصب است و وقتی هوا

تاریک باشد بکمک آن درجات را میتوان دید.

۱۰- نور از چراغ ۱۸ ای ۲×۳ ولتی که بوسیله دو باتری چراغ قوه روشن

میشوند بدست میاید.

۱۱- درجه باشکاف درجه م - ۱۸، و مَسْک (مَسْکِی که تا میشود) هم دارند.

۱۲- از صفر تا ۱۱۰۰ یارد فواصل صد یاردی تقسیم بندی شده است.

- ۵۱- جمعا ۵ نفر ، رئیس - جوخه ، توپچی ، کمک توپچی و د و خدمه حمل مهمات .
- ۵۲- ایستاده ، نشسته و یا دراز کش ، میتوان با آن تیراندازی کرد در ضمن ممکن است آنرا روی پایه مسلسل M 1917 A1 سوار و تیراندازی کنیم .
- ۵۳- با توپ ۷۵ میلیمتری که بوسیله پایه روی کامیون نصب شده است تیراندازی کرده ایم .
- ۵۴- وزنش ۴۴ پوند است .
- ۵۵- در مسافت زیاد د و نفر و اگر مسافت کم باشد يك نفر آن را میتواند حمل کند .
- ۵۶- نظر باینکه سه پایه زیاد سنگین و برای مسافت دور خوب نیست یا د و پایه یا يك پایه (تکپایه) استعمال میکنیم .
- ۵۷- ضربتی
- ۵۸- در حال حاضر د و مین ضد تانک روسی استعمال میکنند .
- ۵۹- اطلاع زیادی راجع به مین ندارم . فقط میدانم که يك نوع ۱۳-۱۵ پوند و نوع دیگر ۲۲-۲۴ پوند مواد منفجره (خرج) دارد . مین کوچکتر در حدود ۱۰-۲۰ پوند فشار برای در رفتن لازم دارد و نوع بزرگتر در حدود ۲۰۰ پوند فشار .

زره پوش قسمت يك (جوابها)

- ۱- گروهبان جاستو اسپینوزا .
- ۲- دسته سوم م گروهبان اول ، گردان اول ، هنگ زره پوش متوسط ۵۶۹ ام .
- ۳- من گروهبان دسته هشتم .
- ۴- تانکهای متوسط داریم و این تانکها با توپهای نو د میلیمتری مجهزند .
- ۵- سه تا
- ۶- جمعا دگر تانک پنج نفر دارد . فرمانده تانک ، توپچی ، راننده ، کمک راننده که در ضمن توپچی جلو هم هست و خرج گذار .
- ۷- دسته من و دسته دوم گروهبان ما ماموریت داشتیم که در موقع حمله از پیاده نظام پشتیبانی کنیم .

۸- وقتی که حمله شروع شد تانکها در جلو حرکت کردند و پیاده نظام در عقب آنها براه افتاد. وقتی که به نزدیکی هدف رسیدیم تانکها قرار بود بایستند و هدف را زیر آتش بگیرند تا پیاده نظام بتواند در حفاظت آتش آنها به هدف برسد. وقتی که پیاده نظام حاضر به حمله نهائی شد قرار بود موشک هوا کنند تا به آن علامت تانکها از شلیک دست بردارند و بطرف هدف بروند.

۹- يك گردان.

۱۰- تانکهای ما با رادیوهائی مثل رادیوهای شما مجهزند و با آنها یا با علامات بصری با یکدیگر ارتباط پیدا میکنیم.

۱۱- ما هم همینطور. آنها علامت مخابراتی دسته خودشان را دارند و ما هم علامت

مخابراتی دسته خودمان را برای ارتباط رادیویی داریم. نظر باینکه

در موقع حمله دسته دیگر که در جناح راست ما بود خیلی با ما فاصله داشت

و نمیتوانستیم از علائم بصری استفاده کنیم مجبور بودیم اغلب اوقات با رادیو

با هم ارتباط پیدا کنیم.

۱۲- بله لازم بود ببینیم رادیوهای مان خوب کار میکنند یا نه، و در ضمن از

خط سیر همدیگر هم مطلع باشیم.

۱۳- خود هنگ محل تجمعی را در توی درختها در ملتقای رودخانه کنزاس و

رپوبلیکان تعیین کرد.

۱۴- هنگامیکه در محل تجمعی بودیم چندین کامیون و وسائط نقلیه دیگر در

اطراف در حرکت بودند.

۱۵- بیشتر آنها کامیون های ۲/۵ تنی بودند ولی چندتائی جیب هم آنجا بود.

۱۶- آنهائی را که من دیدم بنزین و گلوله های ۹۰ میلیمتری حمل میکردند چند-

تاشان هم آذوقه حمل میکردند.

۱۷- وقتی که وارد محل تجمع شدیم چند تا توپ ضد هوائی با کالیبر ۵۰ در آنجا

دیدم. هر کدام مستقلاً متحرك (سوار عراده) بودند و آنها را خوب

استتار کرده و برای تیراندازی حاضر شده بودند.

- ۱۸- سه تا دیدم ولی نمیدانم که بیشتر هم بود یا نه .
- ۱۹- تمام گروهان به محل تجمع آمد و تا آنجائی که من میدانم دسته اول در حال احتیاط در نزدیک همان محل است .
- ۲۰- قبلا پل را بازرسی کرده بودیم و میدانستیم که از آتش توپخانه شما آن پل دیگر قابل عبور نیست . بنابراین نقاط دیگر رودخانه را گشتیم و یک گذار پیدا کردیم که برای عبور ما خوب بود .
- ۲۱- بیشتر اوقات لازم بود که در جاده بمانیم . باران هفته پیش عبور از بیراهه (زمین و دشت و بیابان) را غیر ممکن کرده بود .
- ۲۲- دستوراتی که رئیس دسته بمن داده بود این بود که سر ساعت مقرر شروع خواهد شد مگر اینکه باران شدیدی ببارد . در صورت آمدن باران تند قرار بود حمله اقلاتا تا ۴۵ ساعت عقب بیفتد تا اینکه زمین ها پاندازه کافی برای عبور تانکها خشک بشود .
- ۲۳- آنقدر که من میدانم - هیچ .
- ۲۴- مبدا حمله از هدف خیلی دور نبود . بنابراین قرار بود که نفرات/عقب تانکها حرکت کنند .
- ۲۵- تنها اطلاعی که دارم این است که واحدهای توپخانه و خمپاره انداز پس از اندک زمانی که از محل تجمع خارج شدیم، تیرتولیه، به هدف آتش کنند . بطور قطع میدانم که دیده بان مقدم توپخانه همراه دسته تانک دیگر ما رفت .
- ۲۶- هاویتزر ۱۲۰ میلیمتری و خمپاره انداز ۱۲۰ میلیمتری .

زره پوش قسمت دوم (جوابها)

۲۷- يك مسلسل ۳۰ ميليمتری هم دست که با توپ اصلی در روی يك محور قرار دارد .

۲۸- در سمت چپ توپ نود ميليمتری .

۲۹- فرمانده تانك يك مسلسل كالیبر ۵۰ ميليمتری در جلوی برج تانك دارد که به هدف های زمینی یا به هدف های هوایی تیراندازی میکنند .

۳۰- تیرانداز (توپچی) میتواند هم توپ ۹۰ ميليمتری و هم این مسلسل را هم با کلید برق یا با دگمه دستی آتش کند . خرج گذار هم میتواند با این مسلسل بدون کلید برق تیرانداز کند .

۳۱- يك مسلسل ۳۰ ميليمتری دیگر در جلوی تانك است که کمک راننده با آن تیراندازی میکنند . اغلب اوقات با و میگوئیم "تیرانداز جلو تانك" برای اینکه این یکی از ماموریت های اصلی او است .

۳۲- گلوله های شدید انفجار ، گلوله های فسفر سفید ، گلوله های ثاقب با سرعت زیاد و گلوله های ثاقب کلاهک دار داریم .

۳۳- بطور کلی هفتاد و دو گلوله ۹۰ ميليمتری حمل میکنیم . این عدد شامل ده گلوله ای است که در جعبه دم دستی برای تیراندازی داریم .

۳۴- يك وسیله تخلیه گاز در خود لوله توپ ، يك وسیله تهویه هوا هم در داخل برج تانك داریم . يك ترمز در سر لوله توپ است که کمک به کم کردن فشار عقب زدن توپ در موقع تیراندازی میکند .

۳۵- يك تلسکوپ (دوربین) و يك پریسکوپ (دوربین سنگری) برای نشانه روی مستقیم و "کادران" (شیشه بدرج در عرض و طول) نشانه روی غیر مستقیم دارد .

۳۶- راننده ، خرج گذار و تیرانداز جلو تانك هر کدام يك پریسکوپ (دوربین سنگری) در جایگاه خود دارند . فرمانده تانك هم يك پریسکوپ و بعلاوه يك شکاف رویت که در قبه تانك تعبیه شده است دارد .

۲۷- تقریبا ۴۶ تن .

۳۸- تقریبا ۳۵ میل در ساعت. معمولا در خارج از جاده سرعت در حدود ۲۰ تا ۲۵ میل است.

۳۹- دو تانک بنزین دارد. یکی صد گالن بنزین میگیرد و یکی ۱۳۳ گالن.

۴۰- دفعه آخر که به خط جبهه آمدیم، هر يك از تانکهای گروهان ما چهار الی پنج گالن بنزین در هر میل مصرف کرد.

۴۱- با این تانکها از گذارهایی که عمق آب تا ۴۲ اینچ باشد میتوانیم عبور کنیم.

۴۲- از شیب ۶۰ در صد میتواند بالا برود.

۴۳- اخیرا برای بدست آوردن شنی فولادی در اشکال بودیم و از این جهت يك دسته ما شنی لاستیکی بکار میبرد.

۴۴- اغلب رانندگان تانک از شنی فولادی بیشتر خوششان میاید چون زیاد تر

دوام میکند. شنی (زنجیر) لاستیکی تانک ممکن است پس از کمی استعمال

مخصوصا در هوای سرد ترك بخورد یا تیکه هایش بریزد.

۴۵- زیاد نه ولی گاهی که هوا خیلی گرم باشد موتور داغ میشود در این صورت

اگر در جاده در حال حرکت باشیم باید هر چند وقت یکمرتبه بایستیم و صبر

کنیم تا موتور خنک شود.

۴۶- ما دو کامیون ۲ تن و نیمی داریم که آنها را در گروهان نگه میداریم و از

آنها استفاده میکنیم. خیلی وقتها به وسایل حمل و نقل اضافی احتیاج

پیدا میکنیم و گروهان سرویس حمل و نقل هنگ هر وسیله نقلیه که به آن

احتیاج داشته باشیم در اختیار ما میگذارد.

۴۷- يك برابر مقدار گلوله یا مهمات مقرر ی هر تانک را در محوطه گروهان

نگاه میداریم.

۴۸- مهمات از هنگ دریافت میشود و مستقیما به دسته ها برده میشود و برای

این منظور ما باید به گروهان سرویس هنگ برویم و مهمات لازمه را

تحویل بگیریم.

۴۹- يك انبار بنزین در نزدیکی گروهان داریم و با کامیون های خودمان بنزین

برای دسته ها هر جا که باشند حمل میکنیم. برای این منظور چلیک (درام)

های پنجاه گالنی بکار میبریم .

۵۰- اینها تنها وسائل نقلیه ای هستند که ما داریم .

۵۱- تعمیرات جزئی معمولا در گروهان و یا در خود دسته انجام میشود .

اگر بخواهیم موتور (انجین) را عوض کنیم و یا تعمیرات کلی لازم باشد

آن در گردان در قسمت سرویس اتومبیل ها انجام میشود ، زیرا در

آنجا مکانسین های قابل و تعلیم یافته دارند .

پیاده نظام زره دار (زره پوش)

- ۱- فرمانده های دسته ها به پاسگاه فرماندهی گردان احضار شده بودند وقتی فرمانده دسته ما برگشت نقشه حمله را با ما گفت.
- ۲- در موضع تجمع .
- ۳- تانکهای مان را رسیدگی کردیم ببینیم عیبهای کوچک مکانیکی نداشته باشند ، بنزین گیری کردیم و ضمناً رسیدگی کردیم ببینیم مقدار مقرر ی مهمات را همراه برداشته ایم یا نه .
- ۴- تقریباً يك ساعت بعد از آنکه ما به موضع تجمع رفتیم نفرات پیاده نظام هم به آنجا آمدند .
- ۵- رئیس دسته بمن گفت که گروهان اول و سوم گردان پیاده نظام اول شروع بحمله میکنند . گروهان دوم در احتیاط میماند که اگر یکی از گروهان ها احتیاج بکمک داشته باشد کمک کنند .
- ۶- آنها در موضع تجمع با دسته اول تانک ماندند .
- ۷- قرار بود که دسته تانک و گروهان پیاده نظام پنج دقیقه بعد از حرکت ما از مبداء حمله آن موضع را ترك کنند .
- ۸- بنا بود تانکهای دسته اول هر چند نفر را که میتوانند سوار کنند و بقیه نفرات پشت سر تانکها حرکت نمایند .
- ۹- با رادیوئی که در برج تانکمان داریم میتوانیم با پیاده نظام ارتباط حاصل کنیم . بعلاوه و سائل صخابراتی بصری هم بکار میبریم ولی در مواقعیکه پیاده نظام تیر دقیق روی هدف مخصوصی از ما بخواهد با رادیو بما اطلاع میدهد .
- ۱۰- در عقب هر تانک يك دستگاه تلفن وجود دارد که پیاده نظام بوسیله آن میتواند با فرمانده تانک صحبت کند .
- ۱۱- هر وقت گوشی تلفن در خارج تانک برداشته شود ، چراغ قرمزی که در برج تانک است روشن و خاموش میشود و اگر فرمانده تانک بخواهد با

نفرات پیاده نظام صحبت کند، چراغ قرمز در جعبه تلفن در عقب تانک روشن و خاموش میشود.

- ۱۲- مبداء حمله ما از يك جاده فرعی عمود بر خط پیشروی مان بود.
- ۱۳- هیچ نوع علامتی داده نشد.
- ۱۴- تمام افسران و درجه داران ساعت های خودشان را میزان کردند و درست ساعت پنج و نیم همه حرکت کردند.
- ۱۵- در يك پناهگاه تقریباً در دو یست یاردی خط عزیمت واقع بود.
- ۱۶- این پناهگاه در حقیقت کف رودخانه خشکی بود که منتهی بیک مسیل میشد.
- ۱۷- يك موشك قرمز بسته بیک پاراشوت (چتر فرود) استعمال کردیم.
- ۱۸- موشك سبز استعمال کردیم.
- ۱۹- پیاده نظام دستور داشت که هر وقت بخواهند حرکات خود را از نظر دشمن مخفی کنند، این نوع موشك که تولید دود میکند روی هدف بیندازند.
- ۲۰- دسته های تانک، زیرا ما خیل نزدیک به هدف بودیم و میتوانستیم تیر دقیقتری روی هدف اجرا کنیم.
- ۲۱- دسته ما قرار بود با گروهان ۱ پیاده و آن یکی دسته ارا به جنگی با گروهان ۲ پیاده همکاری کنند.
- ۲۲- قرار بود مسلسل های سنگین از ارتفاعات عقب خط عزیمت آتش، پشتیبانی و اجرا کنند.
- ۲۳- وقتی شروع بحرکت کردیم آنها در جناح راست گردان موضع گرفته بودند و قبل از حمله تیر آزمایشی (تصحیح تیر) انجام داده بودند.
- ۲۴- قرار بود بطرف هدف پیشروی کنیم.
- ۲۵- قرار بود دسته ما بمحض اینکه بالای تپه میرسید از گروهان پیاده نظامی که با آنها کار میکردیم پشتیبانی کند. فرمانده گردان فکر کرد که ممکن است يك حمله متقابل از طرف زره پوش های دشمن باشد و او میخواست که با بالای تپه برای کمک دفاع اضافی ضد تانک حاضر باشیم.
- ۲۶- همان ماموریت، ما در سمت چپ هدف میبودیم و دسته دیگر در سمت راست هدف.

جواب

- ۱ - ۲۳۴۵۶۷۸
- ۲ - من گروهبان يك واحد در دسته مین گذار هستم .
- ۳ - به محوطه ای که دستور اخگر گذاری آنجا را امروز بعد از ظهر داشتم رسیدگی و مطالعه می کردم .
- ۴ - این کر وکی " رو گذار " نقشه میدان اخگر گذاری است که امروز صبح من اخگر گذاری کردم .
- ۵ - ۷۵ × ۵۰ متر .
- ۶ - آنها اخگرهای ضد تانک است .
- ۷ - اخگرهای ضد نفرات است .
- ۸ - ۵ متر
- ۹ - ۲ متر و نیم
- ۱۰ - ۶ متر
- ۱۱ - اخگر ۴۱ - TM سویت (روسی)
- ۱۲ - ۳۵۰ پوند
- ۱۳ - برای بلا اثر کردن این اخگر باید کلاهک فشار را که در سر پوش است باز کرد و فیوز را با چاشنی که به آن وصل است به آرامی بیرون آورد .
- ۱۴ - اخگر ضد نفرات ۲-POMZ روسی .
- ۱۵ - تا آنجا که من میدانم ، فقط ۴۱ - TM روسی .
- ۱۶ - فیوزهای MUV و VPF روسی استعمال شده است .
- ۱۷ - ۲ تا ۲۰ پوند .
- ۱۸ - نمیدانم .
- ۱۹ - من جواب نمیدهم ، من به اندازه کافی راجع به اخگرها اطلاعات داده ام .
- ۲۰ - يك میله آهنی با يك مثلث فلزی به اندازه ۶ اینچ و عرض ۵ اینچ در چهار گوشه میدان قرار داده شده است . این مثلثها را رنگ قرمز زده اند .

۲۱- تمام واحدهای بزرگ و کوچک لشکر داده شده است .

۲۲- افسر عملیات هنگی

۲۳- من بهیچوجه نمیتوانم از آن منحرف شوم .

۲۴- پنج افسر و ۱۹۰ سرباز .

۲۵- یک افسر و ۳۰ سرباز .

۲۶- یک افسر و ۷۶ سرباز .

۲۷- به اندازه دسته پل ساز با قایق .

۲۸- ۲ افسر و ۸ سرباز .

(مهندس)

قسمت دوم

۲۹- دسته پل ساز .

۳۰- من کاری نمیکردم ، وقتی دسته ما مورد تهاجم قرار گرفت ، من اسیر شدم .

۳۱- منشی دفتر دسته بودم .

۳۲- یک افسر و ۷۶ سرباز .

۳۳- یک افسر ، گروهبان دسته و یک منشی .

۳۴- نمیدانم .

۳۵- در عقب محوطه پاسگاه فرماندهی لشکر .

۳۶- نمیدانم .

۳۷- فقط سه نوع میدانم - پل عبور پیاده نظام (با کلیه وسایل پیاده نظام) ،

پل ۱۹۳۸ - م ، که فقط افراد پیاده میتوانند از روی آن عبور کنند و

پل شناور الومینیومی ، برای عبور پیاده ها .

۳۸- ما این وسایل را بعد از جنگ جهانی دوم در اروپا جمع آوردیم ،

این تکه ها و قسمتها در امریکا ساخته شده اند .

۳۹- این پل برای عبور وسائط نقلیه ، مهمات و ساز و برگ و تدارکات بکار برده -

میشود .

- ۴۰- از وسط يك قايق تا وسط قايق ديگر ده فوت است .
- ۴۱- اين پل بوسيله طناب و زنجير به كابل‌هاى خارج مهار شده است .
- ۴۲- اين پل براى عبور افراد آرتش و حمل مهمات و ساز و برگ با دست بعد از عبور دستجات حمله با قايق از رودخانه استعمال ميشود .
- ۴۳- يك عده قسمتهاى پل شناور قايقى است كه بهم متصل هستند .
- ۴۴- هر تيكه پل شناور ۱۲ فوت است كه از ۲ قايق تشكيل شده ، يك تخته پل و ۲ ميله نرده .
- ۴۵- اين پل بوسيله طناب و زنجير به كابل‌ها مهار شده است .
- ۴۶- بطول ۴۳۲ فوت و عرض ۲۲ اينچ
- ۴۷- ۴۰۰ پوند
- ۴۸- ظرفيت پل معمولى ۷۵ نفر در هر دقيقه در روز و ۴۰ نفر در هر دقيقه در شب است .
- ۴۹- ۲ برابر تعداد در حال عادى .
- ۵۰- ۲۰ تا ۳۰ فوت اين پل را ميتوان در يك دقيقه بوسيله دست پل ساز آزموده ساخت . اگر افراد با تجربه نباشند ، در مقابل مدت براى سوار كردن پل طول ميكشد .
- ۵۱- ۳ كاميون دو تن و نيمى بايستى اين دستگاه پل را حمل كند .
- ۵۲- عبور سريع پياده از روى نهر .
- ۵۳- نميدانم - شنيدم كه پل ۳۱۵ فوت طول دارد .
- ۵۴- نميدانم
- ۵۵- تندتر از پل‌هاى ۱۹۳۸ - ۵ مخصوص عبور نفرات پياده ولى وقت دقيق براى سوار كردن آن معلوم نيست .
- ۵۶- نميدانم

(خدمه تیراندازی آتشبار صحرائی)

قسمت اول

- ۱- من خدمه توپ شماره ۳ هستم .
- ۲- من چاشنی را کار گذاشته و لوله را برای پر کردن توپ حاضر میکنم .
- ۳- برای تنظیم درجه مناسب چاشنی ، دستگاه مخصوص نصب فیوز و برای عوض کردن چاشنی ، آچار مخصوص اینکار را بکار میبرم .
- ۴- بله ، هر یکی دو روزی یکبار مورد شلیک قرار میگیریم .
- ۵- ما سنگر هائی دور توپمان داریم که هر وقت شما ما را مورد شلیک قرار میدهید ، داخل آنها میشویم .
- ۶- ده نفر هستند .
- ۷- یکی رئیس قسمت است و درجه گر و هبان یکی دارد . يك گر و هبان ديگرى هم هست که توپچى است . يك سر جوخه که کمک توپچى است و يك سر جوخه که راننده کامیون است و بالاخره شش سر باز یکم که خدمه توپند .
- ۸- نه ، ولی دیروز توپ شماره يك مورد اصابت قرار گرفت .
- ۹- اول اینطور فکر میکردیم ولی دایره تعمیرات آنرا در نصف روز درست کرد .
- ۱۰- بله ، رئیس دسته یکم و رئیس قسمت توپ شماره يك هر دو زخمی شدند .
- ۱۱- بله ، چهار پنج نفر ديگر هم بودند که هفته پیش مورد اصابت قرار گرفتند .
- ۱۲- نه ، آنها در پست امدادى مداوا شدند و بسر کارشان برگشتند .
- ۱۳- بله ، آتش توپخانه شما خیلی دقیق بود .
- ۱۴- نصف خدمه .
- ۱۵- برای اینکه ما بیست و چهار ساعته کار میکنیم .
- ۱۶- توپهايمانرا در چاله هائی که کنده ایم قرار داده و دور آنها را هم گونیهای شن چیده ایم .
- ۱۷- يك گودالى برای مهمات میکنیم . اگر لازم باشد که برای مدت طولانى در يك محل بمانیم ، روى آن يك سقلى میسازیم ولی اگر توقمان برای مدت کوتاهی باشد معمولا روى مهمات را با بارانیهایمان میپوشانیم .
- ۱۸- اسمش "سروان" ز زف ویلیامز است .

- ۱۹- سر باز خوبی است .
- ۲۰- اسمش سر هنگ دوم جانسن است .
- ۲۱- من او را شخصا نمیشناسم ولی از یکی از افسرها شنیدم که فر مانده خوب است .
- ۲۲- من با يك کار بین ۳۰ کالیبر میجهزم .
- ۲۳- آنها هم همه کار بین ۳۰ کالیبر دارند .
- ۲۴- چند تا مسلسل داریم .
- ۲۵- تعداد درست آنها را نمیدانم ولی چهار یا پنج تا هستند که دایره وار دور آتشبار قرار گرفته اند .
- ۲۶- چند نفری داریم که شبها دور آن کشیک میدهند .
- ۲۷- ساخت آنها را نمیدانم ، ولی ارتش به آنها مسلسل سنگین ۵۰ میلیتری HBM2 میگوید .
- ۲۸- آنها را روی يك سه پایه سوار میکنند .
- ۲۹- بله ، يك موشک انداز داریم .
- ۳۰- آن يك موشک انداز ۳/۵ اینچی است .
- ۳۱- پنج یا شش افسر ، درست نمیدانم چند نفر .
- ۳۲- بعضی از آنها دیده بانهای مقدم هستند و خیلی بندرت همراه آتشبارند .
- ۳۳- ما بطرف جنوب شلیک میکردیم .
- ۳۴- ارتفاع قطعی آنها را نمیدانم ولی میدانم که در ارتفاعی بیش از معمول شلیک میکردند .
- ۳۵- دستگاه نشانه روی با دور بینی خیلی قوی بکار میبریم .
- ۳۶- برای يك شلیک کوتاه مدت ، چهار تیر در دقیقه میتوانیم خالی کنیم ولی برای تمام روز ، فقط دو تیر در دقیقه شلیک میکنیم .
- ۳۷- بوسیله قسمت مهمات آتشبار تحویل داده میشوند .
- ۳۸- نمیدانم . تنها کسانی که من دیدم آنهائی بودند که مهمات را تحویل میدادند و آنها معمولا سه نفر بودند . آنها معمولا زیاد نزدیک آتش نمی مانند .

(خدمه تیر انداز آتشبار صحرائی)

قسمت دوم

- ۳۹- من رئیس يك قسمت تیر انداز ی هستم .
- ۴۰- يك توپ هاویتزر ۱۲۲ میلیمتری و نه سر باز دارم .
- ۴۱- مراقبت میکنم که از توپ بطور شایسته ای نگهداری بشود .
- ۴۲- مقصودم اینست که مراقبت میکنم توپ را خوب پاك نگهداشته و همیشه برای شلیک آماده باشد . و نیز يك دسته تعلیم دیده ، همیشه برای شلیک حاضر باشند .
- ۴۳- نه ، توپچی یا کمک توپچی اینکار را میکند . من غالباً کار آنها را بازرسی میکنم که هدف گیری را بدقت انجام بدهند .
- ۴۴- برای اینکه کارکنان توپ را به د و قسمت مختلف تقسیم کرده ام که بتوانیم در بیست و چهار ساعت شلیک کنیم . یعنی توپچی و کمک توپچی در واقع يك کار میکنند .
- ۴۵- آنرا در گودال قرار داده و کونیهای شن دور آن می چینیم .
- ۴۶- نه ، آن کار آتشبار است . تنها کاری که ما میکنیم این است که گودالی حفر کرده ، آنرا در گودال قرار میدهیم . نفراتیکه برای محافظت محوطه لازمند ، از طرف آتشبار تعیین میشوند .
- ۴۷- آنها از طرف قسمت مهمات ، دایره تعمیرات و ستاد آتشبار تعیین میشوند .
- ۴۸- ۹ نفر در این قسمت هستند .
- ۴۹- آنها مهمات را از مخزن مهمات گردان به آتشبار میاورند .
- ۵۰- يك گر و هبان يك دارند که رئیس قسمت است ، سه سر جوخه که راننده کامیونهای حمل مهماتند و پنج سر باز که متصدی مهماتند .
- ۵۱- آنها سه کامیون باری د و تن و نیسی کوچک ، مجهز به جرّ اثقال و يك اطاق یدکی دارند . (م - ۱۰)
- ۵۲- این فقط يك اسم پر آب و تابی برای راننده کامیون است .
- ۵۳- يك کامیون د و تن و نیسی با اکسل کوتاه و جرّ اثقال ، که برای کشیدن توپ استعمال میشود .
- ۵۴- بله ، همه کارکنان و تجهيزاتمان را با آن حمل و نقل میکنیم .
- ۵۵- فرامین بمرکز تعیین جهت آتش رسیده ، بعد از آنجا بتوپچیها ابلاغ میشود .

- ۵۶- از آنجا آتش و تیراندازی آتشبار تنظیم میشود .
- ۵۷- از مرکز فرماندهی آتشبار رئیس ارکان آتشبار اداره میشود .
- ۵۸- هفت نفر در مرکز هدایت آتش هستند .
- ۵۹- دو نفر از آنها ستوانند . یکی افسر ارکان آتشبار و دیگری معاون اوست .
 دو نفر سرگروه بان که هر دو شان متصدی آتشبارند . یک گروه بان که جهت آتش
 را حساب میکند ، یک سر جوخه که مکانیک توپخانه و یک سر جوخه که مامور ثبت است .
- ۶۰- لازم است که همیشه یک افسر در مرکز تعیین آتش حاضر باشد .
- ۶۱- معمولاً یک دیده بان مقدم اینکار را میکند ولی ممکن است از طرف توپخانه گردان
 لشکر فرستاده شود . بعضی وقتها واحد پیاده نظامیکه در تحت اختیار ماست ،
 تقاضای شلیک میکند ولی آنها معمولاً اینکار را توسط دیده بان مقدم میکنند .
- ۶۲- سه دیده بان مقدم داریم .
- ۶۳- معمولاً از یک گردان پیاده پشتیبانی میکنیم و بهر یک از گروهانهای رزمی آن
 یک دیده بان مقدم میفرستیم .
- ۶۴- همه دیده بانهای مقدمان ستوان هستند .
- ۶۵- هر گروه دیده بان مقدم از ، دیده بان مقدم ، یک گروه بان و یک سر باز یک
 تشکیل میشود .
- ۶۶- گروه بان مزبور ، گروه بان مامور تحصیل اطلاعات و سر باز یک متصدی رادیو
 و تلفن است .
- ۶۷- یک دفتر فرماندهی آتشبار ، یک قسمت مخابرات و تنظیم آتش و یک قسمت تعمیرات .
- ۶۸- دفتر فرماندهی آتشبار کلیه کارهای ادارای آتشبار را انجام میدهد و متصدیان
 تنظیم آتش و مخابرات ، عهده دار کارهای مربوط به آتش و مخابرات با دیده بان -
 های مقدم میباشد و قسمت تعمیرات شامل کلیه نفرات فنی آتشبار از قبیل آشپزها
 و مکانیسینها است .
- ۶۹- از تشکیلات دفتر فرماندهی ، قسمت مخابرات و تنظیم آتش و قسمت تعمیر آتشبار
 اطلاعی ندارم . گروه بان یکم در دفتر فرماندهیست ، قسمت مخابرات و تنظیم
 آتش دارای عده ای مامور مخابراتست و آشپزها و مکانیسینها در قسمت تعمیرند .

(دیده بان بخط مقدم توپخانه صحرائی)

- ۱- آتشبار من در ۱۵۰۰ متری پست دیده بانی ام واقع شده است .
- ۲- پست دیده بانیم در روی تپه ۴۵۲ ، یعنی همانجائیکه مرا اسیر کردید ، بود .
- ۳- در آتشبار من چهار توپ ۱۲۲ میلیمتری هاویتزر هست .
- ۴- ما دو دسته تیراندازی ، یک دسته دیده بانی ، یک دسته مهمات و یک پاسگاه فرماندهی و یک دسته تعمیرات داریم .
- ۵- هر دسته آتش و توپ دارد .
- ۶- توپها با وسایل نقلیه حمل میشوند .
- ۷- کامیون بکار میبریم .
- ۸- ۹ کامیون داریم .
- ۹- هشت تای آنها کامیونهای دو تن و نیمی (قوه روی شش چرخ تقسیم میشود) و یکی از آنها کامیون ۱/۴ تنی (قوه روی چهار چرخ تقسیم میشود) است .
- ۱۰- نه ، چهار تا از آنهائیکه برای حمل توپها بکار برده میشود ، از نوع (سو و ب) بوده و دارای جرثقیلند . (سو و ب) یعنی دارای اکسل کوتاه) . چهار کامیون دیگر از نوع دو تن و نیمی (۶×۶) استاندارد هستند .
- ۱۱- آن اتومبیل فرماندهی و متعلق بفرمانده آتشبار است .
- ۱۲- سروان ژوزف ویلیامز .
- ۱۳- یکی از بهترین فرماندهان است . او مدرسه توپخانه را دیده است ، کارش را خوب میداند و جدی است ولی با نفرات آتشبار بطور خیلی عادلانه ای رفتار میکند . همه او را دوست دارند و آتشبارش بهترین آتشبار گردانست .
- ۱۴- سرهنگ دوم " ویلیام ب. جانسن " است .
- ۱۵- بد نیست . من فرماندهان گردان بهتر از او داشته ام . معمولیست .
- ۱۶- به آنها تلفن کرده ، میگویم که میخواهم شلیک بکنم .
- ۱۷- نه ، یک رادیو دارم که اگر تلفن از کار بیفتد از آن استفاده میکنم .
- ۱۸- برای تماس با آتشبار یک تلفن ئی ئی ۸ آ بکار میبرم .
- ۱۹- یک رادیو ئی آن / ج ر س - ۶ دارم .
- ۲۰- به آنها تلفن میکنم .

- ۲۱- نه ، برای تماس با پیاده نظام از يك تلفن مخصوص استفاده میکنم .
- ۲۲- نه ، تنها وسیله ارتباط من با ایشان غیر از موقعیکه با ایشان به ماموریت پاسداری میروم ، آن تلفن مخصوص است .
- ۲۳- يك رادیو بمن میدهند که بتوانم با پست فرماندهیشان در تماس باشم .
- ۲۴- يك مدل تازه ایست که اخیراً شروع به استعمال آن کرده اند . فکر میکنم اسمش (آن / پارس - ۱۰) است .
- ۲۵- نه ، باید پیغامها را توسط پیاده نظام به آتشبارم بفرستم .
- ۲۶- من پیغامات را بوسیله رادیو به پیاده نظام میفرستم و آنها این پیغامات را بوسیله تلفن بگردان من منتقل میکنند و گردان آنها را به آتشبار میفرستند .
- ۲۷- علامت مخابراتی آتشبار من " جغد سفید " است .
- ۲۸- برای علامت مخابراتی خودم " جغد سفید پیش " را بکار میبرم .
- ۲۹- علامت آنها " سر نیزه ایبل " است .
- ۳۰- علامت مخابراتی اصلی گردان " جغد " است . تنها علامتی که من بکار برده ام جغد ۳ است ، که مرکز هدایت آتش میباشد .
- ۳۱- در مکالمات تلفنی همین علامت را همیشه بکار برده ایم ولی هر دو یا سه هفته یکمرتبه ، علامت مخابراتی رادیو را تغییر میدهند .
- ۳۲- مدتی است يك علامت مخابراتی رادیویی بکار میبردیم ولی در ظرف چند روز آینده باید تغییر کند .
- ۳۳- تقریباً بهر نوع هدفی ، تنها مجدودیتی که گذاشته اند اینست که هدف انقدر بزرگ باشد که ارزش اینرا داشته باشد که مورد شلیک قرار بگیرد .
- ۳۴- هر دسته ای که در حدود ۸ تا ۱۰ نفر در آن باشد .
- ۳۵- نه ، بعضی وقتها میگذاریم که بخطوطمان خیلی نزدیک بشوند که بتوانیم اسیرشان کنیم .
- ۳۶- بله ، بمن دستور داده اند که بهر وسیله نقلیه ای که میبینم ، شلیک کنم .
- ۳۷- تقریباً هر قدر بخوایم .
- ۳۸- تنها دفعه ایکه از لحاظ مصرف مهمات محدودیت داشتیم ، موقعی بود که بما يك ماهوریت آتش داده بودند و لازم بود در مصرف مهمات صرفه جوئی کنیم .

- ۳۹- نه، اجازه ندارم که مهمات را حرام کنم. باید در مصرف آن صرفه جوئی کنم.
- بهدفهای مختلف به اندازه کافی تیر شلیک کنم.
- ۴۰- ما حد اقل مهمات لازم را نکه میداریم.
- ۴۱- حد اقل مهمات لازم ما ۲۵۰ کلوله است.
- ۴۲- چون این مقدار یست که میتوانیم با وسایل نقلیه خود حمل کنیم.
- ۴۳- بسته به هدف است.
- ۴۴- من کلوله های شدید الانفجار با چاشنی زمانی متغیر یا چاشنی که بمحض اصابت منفجر میشود بکار میبرم.
- ۴۵- چاشنی متغیر بهترین چاشنیست، گرچه چاشنی زمانی هم بهمان خوبیست.
- ۴۶- کلوله های شدید الانفجار را با ترکیبی از فیوزهای دیگر بکار میبرم. اگر در سنگر دائمی باشند، چاشنی تاخیری بکار میبرم.
- ۴۷- کلوله های شدید الانفجار با چاشنی متغیر و چاشنی که بمحض اصابت به هدف منفجر میشود بکار میبرم.
- ۴۸- بله، فسفر مولد حرارت، فسفر مولد دود و فسفر سفید داریم.
- ۴۹- همه کلوله های نیمه ثابت است.
- ۵۰- برد تقریبی آنها ۱۴،۰۰۰ متر است.
- ۵۱- حد اقل برد آنها ۳۵۰ متر است.
- ۵۲- دود رنگارنگ در روز و شعله های فشنشده ای در شب برای تطبیق آتش توپخانه با محل پیاده نظام بکار میبرند. قبل از عملیات قرار میگذاریم که چه نوع علامتی بکار ببریم.
- ۵۳- بوسیله آتش از پیاده نظام پشتیبانی کنیم.
- ۵۴- آنها مشغول ساختن مواضع دفاعی هستند.

- ۱- افسر ارتباط توپخانه صحرائی هسبم .
- ۲- من با واحد پیاده نظامی کار میکنم که گردان من از آن پشتیبانی میکند و توسط من تطبیق آتش تأمین میگردد .
- ۳- من مستقیماً با ستاد پیاده نظام در ارکان پشتیبان کار میکنم .
- ۴- من معمولاً با ستاد گردان پیاده نظام کار میکنم ولی با ستاد هنگ پیاده نظام هم کار کرده ام .
- ۵- آن کار را دوست دارم . چون موقعیتی است که میتوانم به آنها نشان بدهم که چقدر توپخانه به آنها کمک میکند .
- ۶- من برای آتشبار کار نمیکنم . برای گردان ۳۴۹ توپخانه صحرائی کار میکنم .
- ۷- چهار افسر ارتباط در گردان من هست .
- ۸- آنها هم همانکار من را میکنند . و نفر آنها با گردان دیتر این هنگ کار میکنند و سومی در ستاد هنگ پیاده نظام کار میکند .
- ۹- خیلی کم . افسر ارتباط منطقه عملیاتش وسیع است ، ولی کار اصلی او مربوط به تطبیق آتش توپخانه ها می باشد .
- ۱۰- در عمارت سنگی که روی نشیب شمال غربی تپه ۳۹۶ واقع شده است ، می باشد .
- ۱۱- سرگرد ویلیامز است .
- ۱۲- افسر خوبی بنظر میرسد . تمام افراد ستاد و گردان برای شخصیت او احترام زیادی قائل هستند .
- ۱۳- گردان سوم هنگ ۲۱ پیاده نظام است .
- ۱۴- در دره کوچکی درست در مغرب تپه ۵۰۳ واقعست .
- ۱۵- آتشبار " س " در دره با ستاد گردان واقع شده است . آتشبار " ا " در دره مغرب ستاد گردان واقع شده است . آتشبار " ب " در دره مشرق ستاد گردان قرار دارد .
- ۱۶- نمیدانم . مدتی است که با آتشبارها تماسی نداشته ام و شنیده ام که همه آنها عوض شده اند . قبلاً سروان براون در آتشبار الف و سروان اسمیت در آتشبار " سی " و ستوان یکم پیترز در آتشبار " ب " بودند .

- ۱۷- سر هنگ دوم " ویلیم به جانسن " .
- ۱۸- بله ، او یکی از بهترین فرماندهان است . با کار سر آشنائی کامل دارد . از جریان تمام کارهای گردان مطلع است و همه با او همکاری میکنند .
- ۱۹- سرتیپ " مایک او تول " .
- ۲۰- بهترین فرمانده است . تمام تئوریهای او راجع بتوپخانه در مدارس توپخانه درس داده میشوند .
- ۲۱- تقریباً یک میل در شمال ستاد گردان ، در یک جنگلی در امتداد لبه نهر ، آنجائیکه از جاده میگذرد ، واقع است .
- ۲۲- در طرف راست جاده ، وقتی تقریباً صد متر بطرف شمال و خارج از جاده میروید .
- ۲۳- درست قبل از اینکه از رودخانه عبور کنید .
- ۲۴- من هیچ دیده بانی مستقیم ندارم ، ولی باید بگویم دیده بانهای مقدم و هوائی کار کنم .
- ۲۵- او دیده بان است که بر فراز منطقه دشمن با هواپیمای سبکی به اکتشاف میروند .
- ۲۶- دو هواپیمای سبک داریم و هر دو برای دیده بانی هوائی استعمال میشوند .
- ۲۷- یک رادیوی " ان / گ " سی - ۶ دارم که بتوسط آن با پست های دیده بانی هوائی و دیده بانهای مقدم تماس میگیرم .
- ۲۸- نه ، یک خط تلفنی مستقیم به دیده بانهای مقدم دارم و اگر آن کار نکند ، میتوانم از تلفنهای پیاده نظام استفاده کنم . اگر نتوانم با رادیو با دیده بانها تماس بگیرم ، میتوانم با تلفن خودمان به گردان تلفن کنم و آنها با دیده بان تماس بگیرند .
- ۲۹- بله ، ولی اگر آن کار نکند ، میتوانم توسط تلفن پیاده نظام بگردان خبر بفرستم .
- ۳۰- به هنگ پیاده نظام تلفن میکنم و سعی میکنم توسط افسر رابط توپخانه که در هنگ است با گردان توپخانه تماس بگیرم . اگر تلفن او کار نکند ، از پیاده نظام خواهش میکنم به لشکر تلفن کند و بعد لشکر بتوپخانه لشکر تلفن نموده و پس از آن توپخانه لشکر بگردان من تلفن میکند .
- ۳۱- مطمئن نیستم . فقط یک دفعه آنهم در شب آنجا بوده ام .
- ۳۲- باید در شهر " ویلیامز برگ " باشد .

۳۳- در ست نمیدانم کجاست ولی معمولاً در بزرگترین عمارت شهر قرار دارد .

(افسران رابط هنگ)

قسمت اول

- ۱- سروان فابیان رنه و ویت ، قربان .
- ۲- در دفتر کروهان ، هنگ ۲۶ پیاده نظام ، لشکر ۹ پیاده هشتم .
- ۳- افسر رابط هشتم .
- ۴- هنگ ۶۲ پیاده نظام .
- ۵- لشکر ۱۲ پیاده نظام .
- ۶- سرهنگ " یابان " . فکر میکنم اسم کامل او " رالف یابان " باشد .
- ۷- این دو هنگ همجواری یکدیگر ندارند . هنگ ۶۲ در سمت چپ یا جنوب ۲۶ است .
- ۸- جاده " هالفا مارتینیک " .
- ۹- يك موضع مستحکمی در پنجاه یاردی رودخانه و تقریباً ده یاردی جاده واقعست ، در میان کاجهای کوتاه و روی تپه کوچکی قرار دارد .
- ۱۰- بله ، يك پل در آن نقطه هست .
- ۱۱- مقصودتان از عبور و مرور زیاد ، چیست ؟
- ۱۲- من مهندس نیستم ، ولی میگویم مناسب نیست .
- ۱۳- شنیده ام که يك کامیون دوتنی میتواند از روی آن بگذرد . این حرفیست که افسر عملیات هنگ بمن گفت و مهندسین هم به او گفته بودند .
- ۱۴- يك واحد تائینی قوی در میان درختان در مقابل هنگ ۲۶ واقعست .
- ۱۵- مطمئن نیستم ولی خیال میکنم يك دسته در هر نقطه ای باشد .
- ۱۶- در حدود دو توپ ضد تانک از هنگ ضد تانک لشکرمان در موضعی تقریباً صد یارد از اینجا در جاده ، موضع دارد .
- ۱۷- من هیچوقت آن محلها را روی زمین ندیده ام ولی طبق نقشه محلی این موضع روی يك برجستگی کوچک سر پیچ جاده قرار دارد .
- ۱۸- تقریباً مستقیماً بطرف مشرق . شاید کمی بطرف جنوب ولی تقریباً در ست بطرف مشرق .
- ۱۹- دو تا توپ ۱۰۵ میلیمتری سرپ هست . سرپ یعنی خود رو .

- ۲۰- نمیدانم ، برای اینکه افسر رابط لشکر ، سروان رومانز ، روز پیش گفت که بعضی از تانکهای خود را به واحد دیگر فرستاده اند ، ولی نکفت چه واحدی .
- ۲۱- غیر از آنچه تا بحال بشما گفته ام ، چیز دیگری راجع به آن نمیدانم .
- ۲۲- خط مقاومت واحدهای تامینی در امتداد ساحل چپ رودخانه "امبیک" است .
- ۲۳- چیزی راجع به آن نشنیده ام . آن معمولاً کار گردانها است .
- ۲۴- اجازه بدهید فکر کنم ، گر وهان اول سمت چپ است و گر وهان سوم کنار گر وهان اول است .
- ۲۵- آن گر وهان يك گردان اول است . وقتی بطرف مغرب خطوطتان میایستید در سمت چپ شما است .
- ۲۶- مطمئن نیستم ولی خیال میکنم دره ای است که تقریباً در نهمصد یاردی خط فاصل هنگهای ۲۶ و ۶۲ واقع شده است .
- ۲۷- در ذخیره گردان ، در "اریکا" است .
- ۲۸- گردان دوم .
- ۲۹- جاده خاکی که به گذار رودخانه منتهی میشود .
- ۳۰- هیچ . جز اینکه جاده از جزیره کوچکیکه در وسط رودخانه است میگردد .
- ۳۱- تا آنجائیکه من میدانم گداری وجود ندارد .
- ۳۲- نمیدانم . فقط میدانم که گر وهانهای دوم و سوم در خط هستند .
- ۳۳- هیچ اطلاعی ندارم .
- ۳۴- تا هنگ سی ام امتداد دارد .
- ۳۵- آن جزو لشکر ماست .
- ۳۶- نهر سینی .

افسران رابط (هنگ)

قسمت دوم

- ۳۷- بهیچوجه تماسی نداشته ام . تنها چیزی که راجع به این واحد میدانم از نقشه محلی و صحبتها نیست که در اطراف هنگ شنیده ام .
- ۳۸- بله ، شب پیش هنگ سی ام جای آنها را گرفت . نمیدانم که نوزدهم در حال حاضر کجاست و لی میدانم که تعدویض شدند .

- ۳۹- در این باره به شب پیشتر رجوع میکنم . تعویض قرار بود تا ساعت ۵ بعد از نیم - شب انجام بشود .
- ۴۰- ممکن است که این تعویض مقرر ه هنگها باشد ، ولی من بشخصه خیال نمیکنم اینطور باشد . خیال میکنم بواسطه اینستکه آنها دیگر قدرت جنگی ندارند . البته میدانید که در حدود يك هفته پیش آنها شکست بدی خوردند . شنیدم که در حدود ۲۰ در صد سربازانشانرا از دست دادند .
- ۴۱- سروان " رومانز " بمن گفت .
- ۴۲- در نزدیکی محل تقاطع جاده " کنتیدا " و جاده ایکه خط فاصل بین گردان اول و گردان دوم است ، جاده را مسدود کرده است .
- ۴۳- در جنگل ، درست در مغرب دفتر فرماندهی هنگ میباشد .
- ۴۴- در ده " کنتی " است .
- ۴۵- دفتر فرماندهی در عمارت شهرداریست . ولی س ۱ و س ۴ (دفتر ا کار - گزینی و دفتر ۴ کارپرداز) در پستخانه قرار دارد . فرماندهان هم در خانه شهر دار منزل دارند .
- ۴۶- من فقط میدانم که گر وهان اول گردان سوم امنیت ستاد فرماندهی هنگ را تامین میکند .
- ۴۷- چند تا از توپهای خود ر و ۷۵ میلیمتری گر وهان ضد تانک هنگ در آنجاست . من دو تا از آنها را دیدم .
- ۴۸- نمیدانم . توپها از گر وهان گرفته شده و به گردانها داده شده اند .
- ۴۹- نیم میل دورتر از کنتی در مشرق تپه ای که در جنگل واقع شده است .
- ۵۰- جاده در صد یاردی جنگل میباشد . جنگل در جنوب جاده است .
- ۵۱- افسر عملیات هنگ ، سرگرد کاروبا ، بمن گفت که در خانه بزرگ ر و ستائیسست .
- ۵۲- نمیدانم . هیچوقت آنجا نبوده ام .
- ۵۳- سر هنگ دوم " جولیس سورانتی " .
- ۵۴- ظاهرا سربازان از او زیاد خوششان نمیاید .
- ۵۵- دلیلشرا نمیدانم . يك هفته پیش به هنگ ملحق شد و من هنوز او را ملاقات هم نکرده ام .

- ۵۶- او دوست من " سروان وان سزار فیلیپی " است . او کسی است که بمن گفت سر هنگ دوم ، مورد علاقه سر بازان نبود . دلیلش را نگفت .
- ۵۷- خیلی خوب افسر بیست . همه خیال میکردند که او فرمانده گردان خواهد شد .
- ۵۸- سروان جیزس پدر و سکورا است . فیلیپی میگوید که او سر باز خارق العاده ای است . وقتی گردانتان در خط نبرد است ، او ظاهراً همه جور اطلاعات راجع به سر بازان شما دارد . شایع^{است} که سکورا به دفتر اطلاعات هنگ میرود .
- ۵۹- سرگر واپیستولا ، افسر اطلاعات هنگ ، بهترین افسر اطلاعات در لشکر محسوب میشود و قرار است در ظرف يك هفته به پست اطلاعات لشکر برود . سکورا در هنگ جانشین او خواهد شد .

افسران رابط (هنگ)

قسمت سوم

- ۶۰- شما اطلاعی راجع بواحد ما ندارید ؟ مقصودم سر هنگ فرمانده و فلیس است .
- ۶۱- او افسر بسیار خوبیست .
- ۶۲- بعقیده من سر هنگ اطلاعات کامل راجع به تاکتیک دارد و با اینکه خیلی جدی و انضباطیست ، باز سر بازان و افسران برای او احترام قائلند . او عمویم است .
- ۶۳- بنظر سر هنگ ، مرد خوبیست . ولی من خیال میکنم که خیلی از خود راضی و خود خواه است . گر و هبان عملیات تمام کارهای او را انجام میدهد . مقصودم گر و هبان وستا است .
- ۶۴- بله ، سرگرد یکی از بهترین افسرهاست . بزودی فرمانده خواهد شد .
- ۶۵- اینطور شایع است .
- ۶۶- پدر و وسپوچی . خیلی ناراضیست از اینکه کار يك سرگرد را میکند ولی فقط درجه سروانی دارد .
- ۶۷- بله ، او افسر خیلی خوبیست . دلیل آنرا نمیدانم ، فقط در لشکر ما ترفیحاترا خیلی دیر بدیر میدهند .
- ۶۸- اینطور شنیده ام .
- ۶۹- سروان رومانز ، افسر رابط لشکر ما .
- ۷۰- هیچ شکایتی نشنیده ام .

۷۱- يك افسر تازه ای بنام سروان رنو ، افسر کار در دازی ماست .

۷۲- يك سروان .

۷۳- من نماینده شخصی فرمانده هنگ هستم .

۷۴- من نقشه عملیات را بین د و واحد میبرم و به هنگ اطلاعات راجع به عملیات ویژه

۶۲ ام را میبرم . برای هنگ علامات و عکس علامتیرا که ۶۲ ام در ۲۴ ساعت

بعد ، استعمال خواهد کرد ، میاورم . مهمترین کاری را که میکنم ، طبق گفته

افسر عملیات ، این است که به مذاکراتی که بین او و دیگر اعضاء برای عملیات

آینده صورت میگیرد ، گوش میدهم . بعد این اخبار را به سرگرد واپیستولا

میگویم که او قبل از عملیات و اعلام رسمی نقشه عملیات به او ، بداند که چه اتفاقی

خواهد افتاد .

۷۵- بله ، یادداشتهای کامل .

۷۶- پیغامهای شخصی و در ضمن نقشه ها . در حقیقت هر چیزیکه مقتضیات آن ایجاب

کند که با شخص مر بوطه شخصا ملاقات شود یا پیغامها تیکه بواسطه محرمانه بودنش

نتوان آنرا بوسیله تلفن یا رادیو فرستاد . همچنین کر وکی ها را از يك واحد

بواحد دیگر میبرم .

۷۷- کر وکی هائی که مواضع و نقشه های مهم را بهر د و فرمانده نشان میدهد .

۷۸- مواضع هنگی که همجوار منطقه ایست که توسط هنگ دیگر اشغال شده است .

افسران رابط (هنگ)

قسمت چهارم

۷۹- تقریبا در يك میلی مغرب " بویز " در طرف جنوب جاوه .

۸۰- خوب ، اگر اسمش را بخواهید عارضه طبیعی بگذارید ، در تنها بیشه بزرگی که

در این حد و د است قرار دارد . در هزار یاردی مغرب پاسگاه اصلی فرماندهی

تپه نسبتا بزرگی وجود دارد که به آن میگویند تپه ۱۷۰ . بمناسبت ارتفاع آن تپه که

۱۷۰ پا است .

۸۱- جاوه خاکی که از جاوه اصلی منشعب میشود ، در نیمه جنگل بطرف مغرب پیچ

میخورد . پاسگاه فرماندهی در سر همین پیچ و در هر دو طرف جاوه قرار دارد

به علت وجود درختهای انبوه در آن نقطه ، جاوه از هوا دیده نمیشود .

- ۸۲- همه غیر از مرکز تدارکات و بنه جنکی . اسمش را مرکز هنگی در عقب جبهه گذاشته اند ، محل آنرا نمیدانم .
- ۸۳- وقتی از هنگ ۶۲ خارج میشوم ، جاده اصلی را بطرف بویز ادامه میدهم .
- ۸۴- يك آتشبار توپخانه تقریباً در وسط این دو نقطه است .
- ۸۵- علامت روی جاده نشان میدهد که آن آتشبار يك هنگ توپخانه ۱۱۲ است . بنظرم هنگ تازه ای بایب باشد . راجع به این قسمت چیزی نمیدانم ولی بنظر آقای سرگرد ولکه ، افسر عملیات هنگ ۶۲ ، آن واحد خوبیست . بطوریکه مشهود است ، شامل تمام قوا است ، چون من مطمئن هستم که چهار توپ در آتشبار دیدم . بله ، مطمئن هستم که چهار توپ در آنجا بود . دو تا از آنها در طرف راست و دو در طرف چپ . تمام آنها پشت تپه و بوته های کوچکیکه از شمال بجنوب کشیده شده ، واقع شده اند .
- ۸۶- بنظرم در حدود ۵۰ تا ۶۰ یارد باید باشد . وقتیکه جاده را در نظر بگیریم جبهه آتشبار از ۲۵۰ تا ۳۰۰ یارد است .
- ۸۷- توپهای ۷۵ میلیمتری .
- ۸۸- تا آنجائیکه من اطلاع دارم ، چیزی در آنجا وجود ندارد .
- ۸۹- دژ بانی همیشه اینجا هست . در یکی دو روز اخیر يك پست تدارکات در آنجا برقرار شده است . در هر حال راجع به آن چیزی نمیدانم .
- ۹۰- از یکی از دژ بانیها شنیدم .
- ۹۱- مریضخانه سیویل به بیمارستان نظامی تبدیل شده است . من فکر میکنم غیر از اینها چیزی نباشد .
- ۹۲- اول به چهار راه اصلی شهر رفتند و بعد دست چپ پیچیده به جاده ۱۷ میرویم . این راه تقریباً ۲ میل امتداد میابد تا به انشعاب راه برسیم .
- ۹۳- چیزی راجع به آن نمیدانم .
- ۹۴- انشعاب دست راست را میگیریم ، چون کوتاه تر است . در واقع عیب این جاده نزدیک بود نش به جبهه است . و از این جهت بود که دستگیر شدم . تقصیر من نیست چون این راهیست که سر هنگ فلیس گفت ، از آن بگذرم .
- ۹۵- جاده شوسه خوبیست .

- ۹۶- هیچوقت تانک در این جاده ندیده ام . ولی اثر پرخهای تانک را روی جاده دیده ام ، ولی نمیدانم کجا و کی .
- ۹۷- راجع بتانک چیزی نمیدانم ، فقط گفتم اثر چرخهای آنرا دیدم .
- ۹۸- این انشعاب درست راست به " هالفا " میرود .
- ۹۹- هیچ . تمام این ناحیه نشان میدهد که يك وقتي اردوگاه بزرگی بوده است ولی حالا هیچ ساختمانی در آن دیده نمیشود .
- ۱۰۰- در حدود يك دسته پیاده نظام و يك جفت توپ خودرو و از هنگ ۶۲ . دیروز آنجا توقف کرده با آنها صحبت کردم . آنها گفتند که از هنگ ۶۲ هستند . توپهای خودکار ۸۰ میلیمتری بود . افراد پیاده از گروهان اول گردان اول بودند . این يك گردان ذخیره است .
- ۱۰۱- هیچ ، بوسیله آتش توپخانه و بمباران هوایی از بین رفته است .
- ۱۰۲- آنها روی خرابه های ساختمانی قسمت غربی شهر هستند و مراقب راه مارتینیک میباشند . این نفرات برای حفظ آنها در مقابل سربازان شما میباشند .
- ۱۰۳- از شهر تقریباً نیم میل باید بگذریم . در این نقطه يك راهیست که بدست چپ یا شمال غربی میپیچد . این يك راه خاکی است که به " کنتی " میرود .
- ۱۰۴- هیچ .
- ۱۰۵- يك جفت است . اول يك پاسگاه است که از این چهار راه حفاظت میکند . تقریباً از يك جوخه گروهان اول گردان دوم تشکیل شده است . بوسیله تلفن با گردان دوم ارتباط مستقیم دارند .
- ۱۰۶- يك آتشبار هاویتزر آنجاست .
- ۱۰۷- صبر کنید ، من اشتباه کردم . این يك گردان است . فکر میکنم اولین گردان از هنگ هاویتزر ۱۵۷ است . کاملاً مطمئن نیستم کدام گردان است . علامتی روی موضعشان نبود ولی مطمئن هستم بطوریکه نقشه محلی نشان میدهد بایستی این گردان اول باشد . راه به اندازه کافی نزدیک مواضع نیست که بتوان آنها را واضح دید . و این هاویتزر ها خوب استتار شده اند .
- ۱۰۸- قسمت شرقی راه و خیال میکنم بطور متوسط ۴۰۰ یارد .

- ۱۰۹- خوب ، خیال میکنم این تنها نقطه ای در تمام راه است که در روی خط -
 الراس قرار گرفته است . بهتر از این که نمیتوانم این مواضع را شرح بدهم .
 ۱۱۰- نمیدانم ، تمام آنها خوب استتار شده اند .
 ۱۱۱- هیچ .

افسران رابط (هنگ)

قسمت پنجم

- ۱۱۲- پست فرماندهی در گردان ذخیره هنگ واقع است . ولی دسته ها همه با
 گردانهای مختلف که در جبهه موضع دارند ، وابستگی دارند .
 ۱۱۳- آن دسته را برای ایندفعه نزد کروهان ارکان جنگی قرار داده اند .
 ۱۱۴- در اطراف جاده ای که بعقب " کنتی " می رود ، واقع شده است .
 ۱۱۵- به مدا می رود .
 ۱۱۶- راستش را بخواهید ، تنها قرارگاهی را که من میدانم ، ستاد لشکر است .
 ۱۱۷- لشکر خود ما ، لشکر ۹ .
 ۱۱۸- نمیدانم ، همین حالا شنیدم که در این شهر است . رومانز بمن گفت ، من
 خودم هیچوقت آنجا نبوده ام .
 ۱۱۹- سرلشکر ، رافائیل سارلز ، فرمانده لشکر است .
 ۱۲۰- چیز زیادی راجع به سرلشکر نمیتوان گفت . مدت زیادی در ارتش بوده -
 است و خیال میکنم خیلی لایق است .
 ۱۲۱- سرتیپ " انتونی وگلیسن " . او هم خیلی خوب و شایسته است .
 ۱۲۲- فرماندهی ۳۰ام با سرهنگ الفرد هنر وید است . او هفته گذشته به درجه
 سرهنگی ارتقاء یافت . فرمانده ۱۹ام سرهنگ " هوت پهل " است . اسم اول
 او را نمیدانم ولی میدانم نفرات از او خیلی خوششان نمیاید .
 ۱۲۳- نمیدانم . ولی شنیده ام از وقتیکه آنها بطور فاحشی در چندی قبل شکست
 خوردند ، اختلافات زیادی بین آنها پیدا شده است .
 ۱۲۴- سرهنگ سولورزانو . اسم اول او را نمیدانم و اطلاعی هم راجع به او ندارم .
 ۱۲۵- نمیدانم . در توپخانه اخیرا تغییرات زیادی داده شده است . نمیدانم کی
 فرمانده آن واحدها است .

- ۱۲۶- نمیدانم ، وسایل نقلیه شان را در راه دیدم ولی از جایشان خبری ندارم .
- ۱۲۷- شنیدم آقای سروان رنو اظهار میداشت که در جنوب "مدا" قرار دارد .
- ۱۲۸- بطور یقین نمیدانم ، ولی محمولا با کروهان ستاد لشکر است .

افسران رابط (هنگ)

قسمت ششم

- ۱۲۹- عرض کنم ، ۵۴ و ۱۵۱ آنجا هستند . ۱۵۱ واحدیست که بزودی بجای هنگ ۶۲ خواهد ماند .
- ۱۳۰- این تعویض در شب بیست و یکم این ماه صورت خواهد گرفت .
- ۱۳۱- سرهنگ " زامورا " اگر تا بحال زنده مانده باشد .
- ۱۳۲- زامورا آدم خود رایی است . اگر میل داشته باشد که حمله کند ، يك بهانه‌ای برای آن درست میکند . فرمانده لشکر ، جر مینو " ، خوشش نمیاید ، به اینجهت همه منتظرند زامورا بزودی عوض شود .
- ۱۳۳- نه .
- ۱۳۴- سرهنگ رابرتو بور دو ، او کسی است که زندگیش را وقف سر بازی کرده است .
- ۱۳۵- شخصا خبری ندارم ولی میتوانم بگویم که خیلی خوب هستند . چون بزودی لقب م فوزیلیر ، را در یافت خواهند کرد .
- ۱۳۶- تا آنجا که خبر دارم روح جنگجویی آنها پهای نفرات هنگ ۲۶ نمیرسد و میتوانم بگویم که فعلا ضعیفترین هنگ در جبهه میباشند .
- ۱۳۷- راجع به توپخانه شان چیزی نمیدانم . بنظر میرسد که ۶۲ از پشتیبانی که در یافت داشته اند ، بسیار راضی هستند .
- ۱۳۸- تا بحال هر چه جانشین لازم داشتیم ، برای ما فرستاده اند . ولی شنیده ام این عمل در آتیه مشکل خواهد شد .
- ۱۳۹- رویهمرفته هیچکدام از هنگها بیشتر از ۱۰ یا ۱۲ درصد تلفات نداشته اند . جای آنها بوسیله جانشین ها پر شده است .

(تیرانداز مسلسل)

- ۱- دسته مسلسل سنگین، گروهان اول هنگ پیاده ۴ از لشکر گارد پیاده ۱ .
- ۲- ۲۲ سرباز و یک افسر .
- ۳- ۲ نفر داریم .
- ۴- یکی را مجبور شدیم برای تعمیر ، عقب بگذاریم .
- ۵- آنها ۷۰۶۲ میلیمتری ، ۱۹۴۳ م ، کوریونا هستند .
- ۶- بله ، با نوار خوراک به آن میدهند . معمولا قطعات اتصالی فلزی دارد و بعضی اوقات نوار کرباسی استعمال میکنیم . ۲۵۰ فشنگ میکشد . مسلسل با گاز باروت عمل میکند و با هوا سرد میشود . سرعت اولیه آن ۲۶۲۰ فوت در ثانیه و برد موثر آن از روی سطح زمین ۱۰۰۰ متر است . طول کلی آن تقریبا ۴۶ اینچ است . چون سنگین است ، سه پایه اونیورسال ۱۹۳۱ بکار میبریم . وزن مسلسل ۳۰ پوند و با سه پایه ۸۹ پوند است . سرعت تیراندازی با آن ۳۰۰ تا ۴۰۰ تیر در دقیقه است . قبضه یا دستگیره آن بشکل ۵ میباشد . و شکاف درجه آن برای فشنگهای سبک ۱۹۰۸ از صفر تا ۲۰۰۰ درجه و برای فشنگهای سنگین ۱۹۳۰ از صفر تا ۲۳۰۰ درجه مدرج شده است .
- ۷- فقط يك .
- ۸- ۸۲ میلیمتر .
- ۹- پنج .
- ۱۰- يك گروهبان و يك رئیس جوخه . توپچی که خود من هستم و يك سرباز کمک توپچی و دو نفر مأمور حمل مهمات که هر دو سربازند .
- ۱۱- در يك سنگر بطول ۵ متر و عمق دو و نیم متر ، بشکل د با يك گودال مدور بطرف جنوب . مسلسل در این گودال مدور قرار گرفته است .
- ۱۲- درست پشت تیرهای چوبی نه روی هم گذاشته شده اند ، قرار دارد . و يك گودال بعرض يك متر برای نفرات مسلسل . مسلسل طوری قرار گرفته است که از بین شکاف دو تیری که روی هم قرار گرفته اند ، میتوان تیراندازی کرد .
- ۱۳- همه ما و همچنین گروهبان يك مسلسل دستی کوچک داریم ، این مسلسل ۶۲ ، ۷ میلیمتری از نوع پپس-۱۹۴۳ میباشد .

- ۱۴- فرمانده دسته ، ستوان اور لاو ، آنرا انتخاب کرد . يك صفحه ناغذ داشت
 كه به آن نگاه کرد و خيال ميكنم آنرا از هنگ يا كردان دريافت کرده بود . بطور
 مسلم خيلى قشنگ بنظر ميآمد و مقدار زيادى سم و نقطه و خطوط روى آن
 كشيده و نمره كردان ماهم روى يك داييره منقطه ، در روى آن نوشته شده بود .
 ۱۵- دو گاميون گاز $2 \times 4 - 51$ ، براى اين دسته تعيين شده است و مورد
 استعمال نفرات چهاره انداز ميباشد .
 ۱۶- نميدانم .
 ۱۷- خيال ميكنم ، نقطه تداركات كردان .
 ۱۸- نميدانم .

(مامورين بهدارى)

قسمت اول

- ۱- دسته بهدارى هنگ پياده ۱۴۲ و لشكر پياده ۳۰ .
 ۲- در جستجوى زخمى ها .
 ۳- ستوان گانزالس .
 ۴- رئيس قسمت داييره بهدارى وابسته بكردان اول .
 ۵- كردان اول هنگ پياده ۱۴۲ .
 ۶- گروهبان قسمت .
 ۷- يك افسر و شش سرباز .
 ۸- يك گروهبان قسمت و ۲ سرجوخه بهدارى و سه سرباز بهدارى .
 ۹- بقيه اعضاء مشغول جمع آورى زخمى هاى ديگر در طول جبهه بودند .
 ۱۰- ۱۲۰۰ متر در خاور نقطه دستگيرى .
 ۱۱- كردان مركز كمك بهدارى .
 ۱۲- بمن گفته شده بود كه از جاده خاكي بطرف باختر بروم تا به سرپيچ تند جاده برسم
 جاده در اين نقطه بطرف جنوب غربى ميرود ، ولى من بايد از بيراهه بطرف
 مغرب ميرفتم . بعد از عبور از دره بمن گفته بودند ، يك نهر در ۲۰۰ مترى
 اين پيچ هست . افراد زخمى در ۴۰۰ مترى مغرب اين نقطه بودند . زخمىها را
 پيدانكردم ، چون افراد شما بمحس عبور از نهر مراد دستگير كردند .

- ۱۳- آن آسان بود . گردان اول پاسگاه بهداری و پاسگاه فرماندهی گردان ۱ در چادرهای شمال جاده موضع گرفته اند . این راه از خاور بباختر از جلوی پاسگاه بهداری میگذرد .
- ۱۴- یادم هست که از دو پل عبور کردم .
- ۱۵- ۱۰۰ متر .
- ۱۶- امروز صبح هیچ خمپاره انداز یا توپی در مسیر خود ندیدم . در حقیقت هیچ چیزی ندیدم ، چون وقتی بنهر آب رسیدم ، هوا هنوز تاریک بود .
- ۱۷- من صدای توپها را شنیدم ولی از نوع و محل آنها اطلاعی ندارم . صدای فرات را در دره شنیدم ولی محل و تعدادشان را نمیدانم . صدای تانک هم نشنیدم .
- ۱۸- ۴ افسر و ۲۶ سرباز .
- ۱۹- یک سروان و سه ستوان و یک گروهبان دسته و ۸ سرجوخه و ۴ گروهبان قسمت و ۱۳ سرباز .
- ۲۰- آن سروان فرمانده دسته است . دسته بچهار قسمت تقسیم شده است . هر کدام از این قسمتها ئیکه بگردان فرستاده شده اند ، دارای یک ستوان یک گروهبان قسمت ، دو سرجوخه ، و ۳ سرباز است . سروان و گروهبان قسمت و یک سرباز ارکان دسته را در هنک تشکیل میدهند . بقیه اعضاء - یک گروهبان قسمت و ۲ سرجوخه و ۳ سرباز ، تشکیل پاسگاه بهداری هنگی را میدهند .
- ۲۱- نمیدانم در مدت یک هفته چند نفر زخمی شدند . ولی دیروز ۱۴ نفر به پایگاه آورده شدند .
- ۲۲- نمیدانم .
- ۲۳- مسلسل سبک ، تفنگ و کاربین .
- ۲۴- همه نوع توپ .
- ۲۵- پایگاه بهداری هنگ .
- ۲۶- مقدار درست آنرا نمیدانم ولی هیچوقت کم نداشتیم .
- ۲۷- نمیدانم .
- ۲۸- هیچ .
- ۲۹- یک صندوق پر .

- ۳۰ - تنزیب و پنبه .
- ۳۱ - در بیمارستان صحرائی .
- ۳۲ - نمیدانم ، تمام زخمیهایمانرا توسط مرکز بهداشتاری هنگ ، تخلیه کردیم .
- ۳۳ - در قریه " کولز " .
- ۳۴ - در عمارت شهرداری واقعست .
- ۳۵ - تمام آنها دیلمه دانشکده طب هستند .

(مامورین بهداشتاری)

قسمت دوم

- ۳۶ - خیلی خوب .
- ۳۷ - شغل من اینستکه از ناخوشرو زخمی نگهداری کنم .
- ۳۸ - ۵۰ تا ۷۰ آمپول .
- ۳۹ - معمولا ده بطری ، ولی ممکن است در مورد لزوم بیشتر حمل کنیم .
- ۴۰ - ۱۰ تا .
- ۴۱ - دو بطری هزارتائی .
- ۴۲ - دو جعبه پنیسیلین داریم .
- ۴۳ - ۹۶ بطری .
- ۴۴ - ۳۰۰ ، ۰۰۰ واحد .
- ۴۵ - در حدود هشتاد بسته - ۵۰ بسته ۳ اینچی و ۳۰ بسته ۲ اینچی .
- ۴۶ - ۱۰ تا ۱۵ کیلوگرم .
- ۴۷ - ۲ جعبه داریم - هر جعبه ای شش بطری دارد و هر بطری ۱۰۰۰ سم آب دارد .
- ۴۸ - شش تا .
- ۴۹ - ۱۸ بند تسمه - ۳ بند تسمه برای هر تخت روانی .
- ۵۰ - در حدود سی لوله .
- ۵۱ - حدی ندارد .
- ۵۲ - حدس میزنم انفلوانزا و ذات الجنب .

- ۵۳- نسبت دقیق آنرا نمیدانم . آنهایی را که علائم ناخوشی دارند ، بعقب جبهه میفرستیم . مریضخانه ها و پستهای بیداری صحرائی معلوم میکنند که آیا ایشان آن مریض را دارند یا نه .
- ۵۴- تفاوت میکنند . یادم میآید ده یک وقت ۵۰ در صد مردان اول انفلوانزا داشتند . بیشتر مرضا را بمریضخانه صحرائی میفرستند و وقتی خوب شدند به واحدشان باز نشت میکنند .
- ۵۵- مردان یک ۱۵ نفر از دست داد و مجموع تلفات معلوم نیست .
- ۵۶- من تا بحال مریضی که برنشیت داشته باشد نداشتم .
- ۵۷- بنظرم سه نفر - این نفرات راهم بمریضخانه صحرائی فرستادند .
- ۵۸- بنظرم ۳۰ در صد نفرات سل و ذات الجنب دارند . وقتی فردی علائم این امراض را داشته باشد ، او را بمریضخانه مرکزی میفرستند .
- ۵۹- اسهال خونی .
- ۶۰- در حدود پنج در صد نفراتیکه اسهال خونی دارند ، بمریضخانه صحرائی فرستاده میشوند . آنها تیکه مرضشان خفیف است یا فقط اسهال دارند در پست - امدادی معالجه میشوند .
- ۶۱- هیچ .
- ۶۲- در حدود ۴۰ در صد آنها این مریض را داشته اند . این نفرات را بمریضخانه صحرائی یا مرکزی میفرستند .
- ۶۳- هیچ .
- ۶۴- هیچوقت مریضی که حصبه یا تیغوسن داشته است ، نداشته ایم . چنین مریضی در لشکرمان اصلاً شایع نبوده است .
- ۶۵- این زمستان ۵ نفر ، ولی زمستان قبل در حدود ۵۰ در صد افراد خفیفاً یا شدیداً سرمازدگی داشتند .

(امر بر)

۱- من راننده دایره امر بری و تقسیم پست ارکان گردان هستم .
۲- نگاهداهی سر در وهبان یا آجودان را اینطرف و آنطرف میبرم . ولی کار اصلیم توزیع پیغامهای مرکز امر بری در روز است . و اگر پیغام ضروری پیشتر بیاید آنرا میرسانم .

۳- همیشه با جیب میروم . چون فاصله بین پاسگاههای فرماندهی معمولاً زیاد است .
۴- بله ، به پاسگاه فرماندهی گروهان یا هنگ .

۵- تمام آنها پاسگاههای فرماندهی تاکتیکی هستند . فقط نگاهداهی به پاسگاه فرماندهی گردان ۲ در عقب جبهه میروم .

۶- معمولاً روزی یک دفعه . نگاهداهی که خبرهای فوری از قبیل نقشه و یا راپرت اسیران جنگی هست ، دو سه مرتبه .

۷- آنها تیرا که برای گروهان میبرم ، معمولاً برای فرمانده گروهان و یا سرگروهبان و آنها تیرا که برای هنگ میبرم ، معمولاً به س ۲ و س ۳ و یا فرمانده هنگ .

۸- شبها گاهی نگاهبان یا تلفن چی هستم . رئیس قسمت ارتباطات ، طرز استعمال تلفن - رادیو را بمن یاد میداد که بعد ها در آن قسمت بتوانم کار کنم .
۹- بول داگ است .

۱۰- اسم رمزی هنگمان " بلاک اسنیک " و گردانهای (ا ، ب ، س و د) آن ، بر لیانت ، برمودا ، بیکری ، باکسر و بامبل بی است .

۱۱- در نیمه راه جاده اصلی تدارکات و ساز و برگ و خط اصلی مقاومت ، در یک مسیل با سرایشی تند .

۱۲- بله ، در حدود ۲۰۰ متر در شمال آن .

۱۳- در جاده اصلی بنه ، در حدود ۱۵۰۰ متر بطرف شمال و در طرف چپ جاده .

۱۴- در زمین های پست مشرق فزاورفتگی ، در تپه موازی با جاده اصلی بنه قرار دارد .
۱۵- یک عمارت سنگی دهقانی است که خیلی مورد اصابت گلوله توپ قرار گرفته .

استتاری در آنجا وجود ندارد ولی درختها خیلی نزدیک به عمارت هستند .

۱۶- بله ، دو پل در آنجا هست . یکی در حدود ۵۰ متر قبل از اینکه به جاده اصلی بنه برسید و دیگری در ست قبل از اینکه به پاسگاه فرماندهی بپیچید .

۱۷- ولی پل قایقی است و دومی از پایه های بتونی ساخته شده و روی پایه ها را

با تخته های چوبی پوشانده اند .

۱۸- یقین ندارم ، ولی میدانم که تانک نمیتواند از پل قایقی بگذرد ، چون تانکها را

از گذرگاههای کنار آن میگذرانند . پل دیگر انقدر بزرگ است که هاویتزرهای

۱۸ اینچیمانرا از روی آن میگذرانیم . پس برای همه نوع وسایل نقلیه مناسبست .

۱۹- من هیچوقت در کل نمانده ام ولی (۶×۶) ها را بعضی اوقات باید از گل

بیرون آورد . این معمولا نزدیک گردان اتفاق میفتد . در جاده اصلی بنه همیشه

وضع مرتب است ، چه روزهای بارانی چه آفتابی .

(جوخه خمپاره انداز)

- ۱- گروهان يك ، گردان دو ، هنگ چهار پیاده و لشکر کارد يك .
- ۲- من خرج گذار هستم .

۳- من خرج گذار جوخه خمپاره انداز ۸۲ هستم .

- ۴- فرمانده جوخه گروهبان ، توپچی سر جوخه ، خرج گذار خود من هستم و دو
سرباز ديگر که حامل گلوله هستند .

۵- يك افسر و ۲۲ سرباز .

۶- آنها اعضاء مسلسل سنکین هستند .

۷- لوله آن ۴۸ اینچ و بیخان است .

- ۸- يك سوزن ثابت دارد و خمپاره ها را از دم به ته لوله میندازند . بمحض اصابت
بسوزن ته لوله ، بخارج پرتاب میشوند .

۹- در حدود ۱۸ تا ۲۰ تیر در دقیقه و برد آنها در حدود ۷۰ تا ۳۶۰۰ متر است .
۱۰- ۱۳۴ پوند .

۱۱- ۶ درجه در سمت و از ۴۵ تا ۸۵ درجه در ارتفاع .

- ۱۲- میشود آنرا به سه قسمت کرد که بوسیله نفرات حمل شود . در ضمن چرخهائی
داریم که میتوانیم به آن وصل کنیم . بصفحه آهنی ، دو پایه و استوانه تقسیم میشود .
- ۱۳- در حدود ۷/۳ پوند .

۱۴- حالا دستگاه نشانه روی با دور بین داریم که از سربازان شما گرفتیم . نوع و
ساخت آنرا نمیدانم .

۱۵- دور میگردد که ببیند محلمان خوب استتار شده است و یا اینکه امنیتان رضایت -
بخش است .

۱۶- تا امروز صبح در اطراف گروهان بود . قرار بود فردا آنرا بجنوب محل
تلاقی جاده ببرند .

۱۷- در حال حاضر در اطراف گروهان هستند - در نزد يك قسمت فرماندهی .

۱۸- تا بحال خوب بوده و غذای گرم بوده است . سیب زمینی ، نان و گوشت فراوان
است .

قسمت اول

- ۱- گروه‌های "اولگ" پاولویچ بارتاو .
- ۲- دسته مسلسل ضد هواپیما ی تر و همان ضد تانک و ضد هواپیما .
- ۳- من درجه دار قسمت سیاسی مأمور تبلیغات و تحلیلات سیاسی هستم .
- ۴- یک افسر و پانزده سرباز .
- ۵- یک قسمت ارکان و ۳ جوخه مسلسل ضد هوایی دارد .
- ۶- در قسمت ارکان ، یک ستوان فرمانده دسته ، یک گروه‌هایان - گروه‌هایان دسته ، یک گروه‌هایان - مأمور امور سیاسی و یک سرباز که امر بر دیده بانیست ، داریم .
- ۷- هر یک از جوخه‌ها یک رئیس دارد با درجه گروه‌هایان ، یک توپچی - سرجوخه ، یک کمک توپچی - سرباز ، و یک حامل مهمات که او هم سرباز است .
- ۸- سه ، یکی در هر جوخه .
- ۹- مسلسل سنگین ۱۲/۷ میلیمتری (دسچک ، ۱۹۳۸-م) است ، با فشار گاز کار میکند . خشاب نواری فشنگ دارد ، با هوا خنک میشود . سه پایه آن د و خاصیت دارد که ممکن است آنرا هم برای هدفهای زمینی و هم برای هدفهای هوایی بکار برد . در سه پایه مزبور چرخهای قابل انفصال هم تعبیه شده است .
- ۱۰- سرعت اولیه ۲۷۹۰ فوت در ثانیه است . برد عمودی موثر ۴۹۵۰ فوت است . برد موثر مستقیم افقی ۲۸۰۰ یارد . طول تمام توپ ۶۲/۳ اینچ ، وزن آن با سه پایه و سپر ۳۶۷/۴ پوند و سرعت تیراندازی عملی آن ۱۲۵ تیر در دقیقه ، حرکت در سطح افقی ۳۶۰ درجه است .
- ۱۱- فقط یک کامیون زیس ۶×۶ ، ۱۵۱-سی‌ز ، .
- ۱۲- رئیس دسته من و من با هفت تیرت ، ت ، ۱۹۳۳-م نیمه خودکار مسلح هستیم . امر بر دیده بانی با تفنگ و بقیه دسته مسلسل دستی دارند .
- ۱۳- تمام آنها ۷/۶۲ میلیمتری هستند .
- ۱۴- این اسلحه یک هفت تیر ۷/۶۲ میلیمتری ، ت ، ۱۹۳۳-م به اسم توکار و است . این هفت تیر خشابی و با فنر ارتجاعی کار میکند . سرعت اولیه آن ۱۳۷۸ فوت در ثانیه و برد موثر ۵۰ یارد ، وزن آن با خشاب خالی ۱۰۸ پوند است . و خشاب ۸ تیر میگیرد .

۱۵- این تفنگ " ماسین نانت" به مدل ۱۹۴۴-م نامیده میشود . این تفنگ دارای

خشاب و گلنگدن است . سرعت اولیه آن ۲۶۵۰ فوت در هر ثانیه و برد موثر

۴۴۰ یارد و سرعت تیر در هر دقیقه ۸ تا ۱۰ تیر است . این اسلحه ۸۰۸۲

پوند با خشاب خالی وزن دارد . طول تمام آن ۴۰ اینچ و خشابش ۵ گلوله میگیرد .

۱۶- و قتی فشنگ در لوله و گلنگدن بسته است - قفل است ، اگر دکمه ضامن را تا

آخر بکشیم و بطرف چپ تا انتها بچرخانیم .

۱۷- یک سر نیزه ای که تا میشود ، دارد که همیشه بلوله متصل است . و قتیکه اسلحه

مورد استعمال نیست بسمت عقب و طرف راست تا میشود .

(سازمان و ساز و برگ)

قسمت دوم

۱۸- دسته اول گر وهان خمپاره انداز ۱۲۰ میلیمتری هنگ پیاده ۹۶ .

۱۹- من رئیس دسته هستم .

۲۰- از قسمت ارکان و دو دسته خمپاره انداز ۱۲۰ میلیمتری تشکیل شده است .

۲۱- یک ستوان که رئیس دسته است . یک گر وهبان که گر وهبان دسته یک ، گر وهبان

امور سیاسی و یک سرباز -مامور امر بری دیده بانی .

۲۲- هر یک از دسته ها از یک گر وهبان که رئیس دسته است ، یک سرجوخه که توپچی

است ، یک سرباز که خرج گذار است ، یک سرباز حامل مهمات و سه سرباز

مهمات آور تشکیل شده است .

۲۳- دو تا . یکی در هر جوخه .

۲۴- ۱۲۰ میلیمتری ، مدل ۱۹۳۸ - م .

۲۵- دارای سرعت اولیه ۸۹۰ فوت در ثانیه ، برد ۴۳۸ تا ۶۵۶۴ یارد . حرکت

افقی ، بعلاوه یا منهای سه درجه . وزن موق مسافرت ۱۰۸۱ پوند .

۲۶- گر چه اسلحه بزرگ است ولی چون وزن آن نسبتا کم است ، براحتی حمل میشود .

یک گاری د و چرخ که به آسانی بعقب اتومبیل وصل میشود برای حمل خمپاره انداز

دارد . یک صفحه مدوری که آهنی ریخته روی آن قرار میگیرد ، دارد و اسلحه

مزبور برای بار بندی و حمل با حیوانات یا وسایل نقلیه بسه قسمت میشود .

و در این ... بصدوق حمل اسلحه همراه دارد . تیراندازی بوسیله

ماشه یا بوسیله انداختن خمپاره بداخل لوله صورت میگیرد .

۲۷- دو کامیون زیس- ۱۵۱ (۶×۶) .

۲۸- این کامیونها ر و باز و موتور آنها شش سیلندر ، بنزین مصرف میکند و با مایع

خنک میشود . شش چرخ متصل بموتور دارند و برای حمل مهمات سنگین و

همچنین حمل نفرات بکار میرود .

۲۹- فاصله بین دو چرخ ۱۶۵ اینچ و ظرفیت آن چهار تن و نیم است .

۳۰- مامور امور سیاسی و من هفت تیر داریم . گروهبان دسته و رئیس جوخه و

مامور امربری و دیده بان تفتنگ کوتاه دارند . خرج گذار و حامل مهمات

مسلسل دستی و توپچی و مامور حمل مهمات ، تفتنگ دارند .

۳۱- اسم تفتنگها " توکار و " مدل ۱۹۴۰ م است . با فشار گاز کار میکند و خشابی

و نیمه خودکار است . خزانه جعبه مانند ی دارد که ۱۰ فشنگ میگیرد و فشنگ را

از ته توی آن میگذارند . همچنین با قرار دادن دو خشاب پنج فشنگی میتوان

آنها خشابی کرد .

۳۲- سرعت اولیه ۲۷۲۰ فوت در ثانیه و برد موثر ۴۴۰ یارد است . با خزانه

خالی ۸۰۶ پوند وزن دارد و طول آن ۴۸/۲ اینچ است . سرعت تیراندازی

۲۰ تا ۲۵ تیر در دقیقه است .

۳۳- دستگاه نشانه روی عبارتست از یک مگسک ثابت و شکاف درجه بشکل " د " که از

۱۰۰ تا ۱۵۰۰ متر مدرج شده است . تفتنگ وقتی در ضامن است که ضامن آنرا

جلو بزنید تا آنجائیکه از حرکت ماشه جلوگیری کند .

۳۴- گروهبان یک قسمت ارکان و ۳ دسته خمپاره انداز دارد . تمام دسته ها مثل

دسته من است .

۱- ۵ افسر و ۵۹ سرباز .

۲۶- لشکر ۹۱ گارد مکانیزه - لشکر ۷۷ تانک - لشکر ۲۵ پیاده نظام و لشکر ۵

توپخانه .

۳۷- فقط هتک ۹۴۱ مهندس می

۳۸- این هتک مهندس برای ساختن پلهای بزرگ است .

۳۹- هنگهای ۲۳، ۲۴ و ۲۵ موتور یزه- هنگ ۲۲۰ تانک متوسط هنگ هفتصد و

بیست و یکم تانک سنگین توپخانه خودر و و لشکر توپخانه .

۴۰- شامل هنگهای ۱۰۱، ۷۰۶، ۷۰۸ تانک متوسط و هنگ توپخانه ۷۰۷ تانک سنگین

خودر و و هنگ ۷ پیاده موتور یزه و توپخانه لشکر است .

۴۱- لشکر ۲۵ شامل هنگهای پیاده نظام ۸۱ و ۸۲ و ۸۴ و هنگ ۱۲۵ تانک خودر و

و یک تیپ توپخانه است .

۴۲- من میدانم چه واحدهائی لشکر ۵ توپخانه را تشکیل میدهد ولی میدانم که علاوه

بر واحدهائیکه جز و لشکر هستند، فرمانده لشکر، توپخانه های سه لشکر دیگر

را که عبارت از لشکر ۹۱ کارد مکانیزه و لشکر ۷۷ تانک و لشکر ۲۵ پیاده نظام

است، تحت فرماندهی خود دارد . البته این فرماندهی فقط برای عملیات حاضر

است .

۴۳- در باره لشکر توپخانه اطلاعات زیادی ندارم ولی میدانم که چند موشک انداز

۱۳۲ میلیمتری و چند توپ هاویتزر ۱۵۲ میلیمتری و چند توپ هاویتزر

۱۲۲ میلیمتری دارد .

۴۴- هر یک از هنگهای موتور یزه، دو گردان پیاده نظام موتور یزه و یک گردان

تانک متوسط و یک گردان توپخانه و یک گردان خمپاره انداز دارد . آنها

همچنین یک گروهان اکتشاف، یک آتشبار ضد هوایی، یک گروهان مخابرات،

یک گروهان مهندسی و چند گروه فنی دارند .

۴۵- سه گردان تانک متوسط، یک گردان پیاده نظام موتور یزه، یک گروهان مسلسل

ضد هوایی و چند گروه فنی دارد .

۴۶- دو گردان تانک سنگین، یک گردان توپخانه خودر و، یک گردان موتور یزه

مسلسل سبک، گروهان اکتشاف، گروهان ضد هوایی و دسته مخابرات هستند .

۴۷- یک هنگ توپ هاویتزر ۱۲۲ میلیمتری و یک هنگ خمپاره انداز ۱۲۰ میلیمتری

و یک گردان موشک انداز که با موشکهای ۱۳۲ میلیمتری مجهز است، دارد .

۴۸- تشکیلات آنها بر اساس مثلثی است با ۳ گروهان رزمی در هر کدام . پشتیبانی

داخلی بوسیله یک گروهان مسلسل سنگین با ۶ مسلسل ۷/۶۲ میلیمتری و یک

گروهان خمپاره انداز با ۶ خمپاره انداز ۸۲ میلیمتری و یک گروهان ضد تانک

مجهز با ۴ توپ ضد تانک ۵۷ میلیمتری صورت میگیرد . علاوه بر این یک دسته
مخابرات و یک واحد کوچک طبی و فنی هستند .
۴۹- یک گروه ارکان گردان با یک تانک متوسط و دو گروهان تانک . هر گروهان
تانک یک ارکان با یک تانک متوسط و ۳ دسته تانک با ۳ تانک متوسط در هر کدام
دارد .

۵۰- تنها چیزی که من در باره گردان توپخانه میدانم اینستکه دوازده توپ ۷۶ م م
دارد . میدانم تشکیلات آن چطور است .

۵۱- میدانم آن هم چطور اداره میشود . تنها چیزی که میدانم اینستکه ۶ خمپاره -
انداز ۱۲۰ میلیمتری و ۱۲ خمپاره انداز ۸۲ میلیمتری دارد .

۵۲- تنها چیزی که من در باره گروهان اکتشاف میدانم اینستکه بوسیله اتومبیلهای
مسلح و اتومبیلهای سرباز بر حرکت میکنند .

۵۳- خوب ، من میدانم که نقش اولیه تاکتیکی لشکر موتوریزه ، تعقیب و استفاده از
موفقیت و شربد و شنیر و ی تانک است . این لشکر همچنین مستقلا توانائی حمله
و شکاف آوردن بمواضع دفاعی ضعیف دشمنی که روحیه اش متزلزل شده است ،
را دارد .

(سازمان و ساز و برگ)

قسمت چهارم

۵۴- بله ، ما چندین لشکر و چند سپاه سوار نظام داریم .

۵۵- سپاه سوار نظام تقریبا ۱۰۰۰ ، ۱۹ نفر دارد . این سپاه سه لشکر سوار نظام
و اسلحه های قوی پشتیبانی که شامل سهم بزرگی از نیروی زره پوش و توپخانه
خودر و میباشد و واحدهای وابسته بستاد و واحدهای فنی دارد .

۵۶- قوای آن شامل ۴۶۵۰ افسر و سرباز و ۴۰۰۰ اسب است .

۵۷- تشکیلات آن که مثلث شکل است ، شامل ۳ هنگ سوار نظام ، یک هنگ مختلط
توپخانه سبک و خمپاره انداز سنگین و واحدهای کوچک اکتشاف ، مهندسی ،
ضد هوائی و فنی است .

- ۵۸- لشکر سوار نظام طوری تشکیل شده است که میتواند بطور واحد جداگانه ای عمل کند و یا جزئی از سپاه قوی سوار نظام باشد . لشکر مزبور بطور قطع يك تشکیلات سوار نظام با اسب است و غیر از ستون مهمات و آذوقه از هیچگونه وسایل نقلیه ای استفاده نمیکند .
- ۵۹- هر هنگ ۱۱۴۰ افسر و نفر و ۱۱۸۰ اسب دارد .
- ۶۰- يك ستاد هنگ م چهار گردان سوار نظام م يك گردان مسلسل م يك خمپاره - انداز ، يك آتشبار توپ هاویتزر و يك آتشبار ضد تانک و چند گروه فنی دارد .
- ۶۱- چهار توپ هاویتزر ۷۶ میلیمتری ، چهار توپ ضد تانک ۵۷ میلیمتری ۱۲ خمپاره انداز ۸۲ میلیمتری ، ۳ مسلسل ضد هوایی و ۱۶ مسلسل سنگین و ۴۳ مسلسل سبک دارد .
- ۶۲- ۱۱۵ کاری اسبی و ۳ کامیون دارد .
- ۶۳- تقریباً ۱۱،۰۰۰ افسر و سرباز .
- ۶۴- تقریباً از ۳ هنگ پیاده نظام تشکیل شده است .
- ۶۵- يك تیپ توپخانه با ۲۴ توپ ۷۶/۲ م م ، ۳۶ توپ هاویتزر ۱۲۲ میلیمتری و ۱۲ خمپاره انداز ۱۶۰ م م و هنگ مختلط ۵۲ تانک متوسط با توپهای ۸۵ م م و ۱۶ توپ خودر و صد م م و يك گردان ضد تانک با ۱۲ توپ ۸۵ م م ، يك گردان اکتشاف ، يك گردان مخابرات ، يك گردان مهندسی و يك گردان ضد هوایی همچنین يك گردان كوچك دفاع شیمیائی هم دارد .
- ۶۶- کارپردازي ستاد پشت جبهه بترتیب زیر طبقه بندی شده اند ، گردان بهداری ، يك گردان کامیون حمل و نقل ، يك واحد کارپردازي و تعمیرات و ۳ هواپیمای سبک رابط .
- ۶۷- هنگ دارای ۳ گروهان پیاده نظام ، توپخانه هنگ و دسته ضد هوایی و گروهان مخابرات و دسته مهندس و چند گروه فنی است .
- ۶۸- شامل يك گروهان ضد تانک با ۶ توپ ضد تانک ۵۷ م م ، يك گروهان خودر و توپخانه با ۶ توپ خودر و ۷۶ م م و يك گروهان خمپاره انداز با ۶ خمپاره - انداز ۱۲۰ میلیمتری است .
- ۶۹- هر کدام ۳ گروهان پیاده نظام و گروه های پشتیبان دارند .

۷۰- گروهبان دارای ۳ دسته رزمی و یک دسته کوچک مسلسل است . هر یک از دسته های رزمی ۳۰ نفره به ۳ جوخه تقسیم شده و یک افسر و ۲ سرباز در دسته ارکان آن است .

(سازمان و ساز و برگ)

قسمت پنجم

۷۱- ستوان ایوان بوریس پاپو .

۷۲- گروهبان اول پیاده نظام ، گردان سوم ، هنگ سوم ، لشکر پیاده نظام سوم .

۷۳- ۶ افسر و ۱۲۷ سرباز .

۷۴- گروهبان یک قسمت ارکان با دو افسر و ۶ سرباز ، ۳ دسته پیاده نظام با یک

افسر و سی و سه سرباز و دسته اسلحه سنگین با یک افسر و ۲۲ سرباز دارد .

۷۵- یک سروان که فرمانده گروهبان است با ارشدترین ستوان که افسر سیاسی است

و یک گروهبان ارشد که گروهبان یکم است و یک گروهبان ارشد که گروهبان

آشپزخانه است و گروهبان سوم که متصدی تدارکات است، یک سرجوخه که ماشین-

نویس و منشی است و دو سرباز که امربر هستند .

۷۶- بله .

۷۷- یک قسمت ارکان با یک افسر و ۳ سرباز و ۳ جوخه پیاده نظام با ده سرباز در

هر جوخه ، دارد .

۷۸- یک ستوان که رئیس دسته است ، یک گروهبان ارشد که گروهبان امور سیاسی است

یک گروهبان که گروهبان دسته است و یک سرباز که امربر و دیده بان است .

۷۹- جوخه پیاده نظام همه یک طور هستند . در هر یک از آنها یک گروهبان که رئیس

جوخه است ، دو سرجوخه که تیرانداز مسلسل سبک اند ، دو سرباز معاون

تیرانداز مسلسل سبکند و پنج سرباز تیرانداز تفنگ هستند .

۸۰- دسته اسلحه سنگین شامل ارکان دسته ، ۳ جوخه مسلسل سنگین و یک جوخه

خمپاره انداز است .

۸۱- شامل یک ستوان رئیس دسته ، یک گروهبان ارشد که گروهبان دسته است و

گروهبان سوم که گروهبان سیاسی میباشد .

۸۲- هر يك از جوخه های مسلسل سنگین - يك كره بان که رئیس جوخه است ، يك سر جوخه که تیرانداز مسلسل است ، يك سر باز معاون تیرانداز مسلسل و دو سر باز حامل مهمات دارد .

۸۳- يك كره بان که رئیس جوخه است ، يك سر جوخه که تیرانداز مسلسل است ، يك سر باز خراج گذار و دو سر باز حامل مهمات .

۸۴- من رئیس دسته اسلحه سنگین بودم .

۸۵- یکی در هر جوخه .

۸۶- آن مسلسل سنگین ۷/۶۲ م م ، گوریانو ، ۱۹۴۳- م است . این مسلسل بوسیله گاز باروت کار میکند و بوسیله هوا خنک میشود . سرعت اولیه آن ۲۶۲۰ فوت در ثانیه است . برد موثر افقی ۱۱۰۰ یارد و برد موثر ضد هوایی ۱۶۵۰ فوت است و طول سرتاسر آن ۴۶ اینچ و تیراندازی عملی آن بین ۳۰۰ تا ۳۵۰ تیر در دقیقه است .

۸۷- وزن مسلسل تقریباً ۶۰ پوند و وزن سه پایه آن تقریباً ۳۰ پوند است .

۸۸- این يك نوع سه پایه اصلاح شده ۱۹۳۱- م یونیورسال است که به آسانی تبدیل به سه پایه ضد هوایی میشود .

۸۹- مسلسل مزبور میتواند هم نوار کرباسی ۲۵۰ فشنگی ۱۹۱۰- م و هم نوارهای فلزی ۵۰ فشنگی استعمال کند . نوار فلزی مزبور را ممکن است با بهم وصل کردن قطعات پنج فشنگی بيك نوار فلزی ۲۵۰ فشنگی تبدیل کرد - هر نوع از فشنگهای تنگ ۷/۶۲ م م روسی را ممکن است در این مسلسل استعمال کرد .

۹۰- قبضه هائی بشکل " د " و صفحه آهنی عقب فنر ارتجاع بکار برده میشود .

(ر ئيسر كشتى)

- ۱- گر وهبان ديميتري ايوانويچ سولو .
- ۲- جوخه اول ، دسته اول ، گروهان اول پياده هنگ چهارم پياده و لشكر كار د پياده شماره يك .
- ۳- فرمانده جوخه يك .
- ۴- يك فرمانده جوخه كه خود من هستم ، خدمه يك مسلسل سبك كه عبارت از يك سر - جوخه و يك سر باز و يك سر باز كمين نشين و ۵ سر باز پياده .
- ۵- من يك تفنگ با خودم حمل ميكنم ، سر بازان پياده و كمين نشين ها هم تفنگ دارند ، تيراندازان مسلسل سبك هم مسلسل سبك دارند .
- ۶- تفنگ نيم خودكار ۶۲/۷ م م ، ۱۹۴۰- م توکار و .
- ۷- خزانه ای يا خشابيست ، ۱۰ فشنگ ميگيرد ، سرعت اوليه آن ۲۷۲۰ فوت در ثانيه برد موثر ۴۰۷ متر و طول تمام آن خيال ميكنم ۴۸ اينچ باشد . وزن آن ۸/۵ پونداست . ممكن است با آن ۲۰ تير در دقيقه تيراندازي شود .
- ۸- چيز يكه راجع به آن ميدانم اينست كه پ پ س- ۱۹۴۳ است و همان نوع فشنگي كه ما مصرف ميكنيم ، بكار ميبرند .
- ۹- بمن دستور داده شده بود كه محل سيم خاردار ، موضع مسلسلها و خمپاره انداز - ها و حالت افراد پياده نظام شما را در نواحی خودمان بازرسي و پيدا كنم . گفته بودند چون جوخه من بهترين جوخه ها است ، اين ماموريت بما داده شده و اين اطلاعات را براي حمله لازم داشتند .
- ۱۰- از سر اشيبی پر درخت آن تپه پائين آمديم . پس از حرکت از شمال باختری و عبور از توی جنگل ، در پانصد متري آن تپه به اين دره باز رسيديم . خيال- ميكنم جنگل در حدود ۲ كيلومتر عرض دارد . از يك جاده اسفalte كه از شمال بجنوب كشيده شده است ، داخل جنگل شديم . مبادا حرکت ۵۰۰ متر در شمال تقاطع جاده ها در امتداد شمال اين جاده در جنگل بود . اين جاده ها در محل تقاطع اسفالت شده اند .
- ۱۲- در محل تقاطع جاده ، دو مسلسل سنكين ديدم .

۱۳- مسلسل های سنگین قسمت اسلحه سنگین ما بودند .

۱۴- تمام جوخه مسلسل -۵ سر باز .

۱۵- در چاله هائی رو و بجنوب موضع گرفته اند . مقصودم اینست که یکی از آنها

اینطور است و دیگری اینطور نیست .

۱۶- یکی از آنها در گوشه شمال شرقی ، در کنار جنگل و در ده مترى تقاطع جاده-

ها واقع شده است . دیگری در گوشه شمال غربی و در ۵ مترى تقاطع جاده ها

جلوی يك سنگ بزرگی که مقدارى تیر چوبی جلوی آن است ، واقع شده است .

۱۷- چیز دیگری ندیدم .

۱۸- استالین و مالنف .

۱۹- هر راهی را خیال میکردم خوب است غیر از راهی که آمدیم .

۲۰- خیال میکنم اسمش سروان تیومنکو است . فرمانده گروهان ما سروان کورلاف

گفت که افسر اطلاعات گردان است .

۲۱- میدانم . اینطور شنیدم که سرگروهبان ما میقت در شمال پست فرماندهی ما

و در شمال راه اسفالته بود .

(کشتی)

۱- پتر و در مسکی و من سر بازم .

۲- من در جوخه يك ، دسته يك گروهان يك پیاده گردان ۲ و هند ۴ پیاده نظامم .

۳- تیرانداز تفنگ دستم .

۴- کشاورز بودم . در يك مزرعه دسته جمعی کار میکردم .

۵- در حدود چهار سال در شهر " رهنی " بهدرسه رفتم .

۶- از پست پاسگاه فرماندهی گروهان . در ساعت ۵ امروز صبح .

۷- شمال اینجا .

۸- ن .

۹- میدانم در شمال اینجا است ، برای آینده در شمال محل تقاطع جاده ایست که قبل از

دستگیر شدن ، از آنجا بطرف جنوب آمدیم .

۱۰- باید در حدود ۴۰۰ قدم در شمال باشد . میدانم در جنگلی خارج جاده اسفالته

است .

- ۱۱- شمر دم . چون فکر میکردم اینجا مز رعه خوبی برآیم میتوانست باشد .
- ۱۲- اسلحه ما مثل اسلحه کر وهبانهاست . يك تفنگ نیمه خودکار ۷/۶۲ م م است .
روی تفنگ من نوشته است "م تودار و" ولی من با چاقو دلمه الکا را روی قنداق آن کنده ام .
- ۱۳- راجع به آن چیزی نمیدانم . فقط میدانم خشابی دارد که ده فشنگ در آن جا -
میگیرد و وزن تفنگ هم هشت پوند و نیم است .
- ۱۴- بگذارید ببینم ، يك کر وهبان ، د و تیرانداز مسلسل سبك ، يك کمین نشین و
پنج تیرانداز تفنگ . این چند نفر شد ؟
- ۱۵- درست نمیدانم . کر وهبان يك میگفت سه دسته پیاده و يك دسته اسلحه سنگین
داریم . او بما میگفت زیاد فکر دسته های دیگر پیاده را نکنیم ، چون آنها هم
عینا مثل دسته های خودمانند .
- ۱۶- مسلسل های سنگینمان را دیدم .
- ۱۷- درست نزدیک محل تقاطع جاده ، در جنوب پاسگاه فرماندهی کر وهان .
- ۱۸- اول در حدود يك کیلومتر بجنوب رفتیم ، بعد داخل يك جنگلی شدید . از
میان جنگل گذشته بطرف جنوب شرقی حرکت کردیم . بعد بيك دره باز رسیدیم
و از آن پائین رفتیم تا رسیدیم به يك تپه . میخواستیم از آن تپه بالا بروم و مواضع
شما را ببینم که دستگیرم کردید .
- ۱۹- سر وان گور لف .
- ۲۰- کر وهبان میگفت اسمش سر وان تومندو است . شنیدم میگفت ما را برای این انتخاب
کردند که بهترین جوخه هستیم و برای حمله ای که فردا خواهند کرد خیلی بدرد
خواهیم خورد .
- ۲۱- نمیدانم . شنیدم قرار بود امشب چهاره انداز هایمان را بطرف جنوب محل
تقاطع جاده حرکت بدهند و مسلسل هایمان را هم صد متر جلو تر ببرند . این
حرف را توپچی بمن زد . ما باهم همشاگردی بودیم . اسمش سر جوخه پاپو است .
- ۲۲- يك کر وهبان ، يك توپچی ، سر جوخه دوست من ، يك خرج گذار ، يك مامور
حمل مهمات ، فکر میکنم همه سر بازند .

۲۳- آنها جزو نروهان ما هستند .

۲۴- هیچ علائمی در بین نبود ولی اگر پاسدار بما میگفت ، استالین ما باید میگفتیم مالکف .

(مامور رادیو)

۱- من در مرکز هدایت آتش نروهان مامور رادیو بودم .

۲- در پای تپه ۴۷۷ ، در طرف جنوب بود .

۳- بله ، چون سیمها همه قطع شده بودند ، ناچار فقط از رادیو استفاده میکردیم .

۴- سه تا ، یکی در حوزه هر گردان پیاده .

۵- البته ، و واقعا بشدت تیراندازی میکردند .

۶- هر کدام چهار لوله توپ داشتند ، به استثنای دسته ۳ که یک لوله در لوله توپش

منفجر شد و یک لوله و چهار تا از نفراتش را از دست داد .

۷- هیچکدام از پیغامهایمان را بجز مختصات جغرافیائی برمز نمیفرستادیم .

۸- سه روز یک مرتبه . مگر اینکه بفهمیم که شما آنها را کشف کرده اید ، یا تغییر دهند .

۹- در ساعت ۵ امروز صبح . نمیدانم رمز تازه چه خواهد بود .

۱۰- رادیو (ا ن / ۱۰ - پ ر س) بود . البته نمیتوان گفت که بهترین رادیو است .

۱۱- از نوع (ف م) است ولی صدایش در داخل تپه ها زیاد واضح نیست .

۱۲- درست نزدیک پاسگاه فرماندهی هنگ . در حدود ۱۰۰۰ متر در عقب مرکز

هدایت آتش .

۱۳- ماده تا از آنها به اضافه یک (ا ن / ۷ - گ ر ث) و یک (ا ن / ۹ - گ ر س) داریم .

۱۴- هیچوقت در هیچ یک از آن مواضع نبوده ام . ولی میدانم همه آنها پای تپه ،

پشت خط اصلی مقاومت هنگ واقع شده اند . فرمانده میگفت آنها انقدر نزدیکند

که دشمن در صورت اطلاع میتواندست با توپ ۶۰ مم هم ما را بزند .

۱۵- ما شبیه مضاعف داریم . رشته های سیم تلفن که بطور مستقیم بمحل دیده بان

مقدم میرود و همچنین رشته های بگردان پیاده متصل است . برای اینکه افراد یکه

اسلحه سنگین استعمال میکنند ، بتوانند تقاضای آتش بکنند . در خیلی از موارد

دیده بانهای مقدم ما یک سیم فرعی بگردانیکه به آنها کمک میکند ، دارند .

- ۱۶- غیر از فسفر سفید ، تقریبا تمام مهمات ما تمام شده بود . بخاطر دارم که افسر توپچی میگفت که فقط در دسته يك ، مواد شدید الانفجار و فشنگهای تولید نور باقی مانده است .
- ۱۷- برد آن به ۶۰۰۰ یارد تخمین زده شده ، ولی فرمانده میگفت به هدفی دورتر از ۵۵۰۰ یارد تیراندازی نکنیم ، مگر اینکه توپخانه نتواند به آن تیراندازی کند . تمرکز گلوله در مسافت زیاد ممکن نیست .
- ۱۸- هر وقت تماس بصری داشته باشیم تا مسافت ۲ میل ، هوا تاثیری ندارد ولی اگر تپه یا عوارض طبیعی دیگری بین گیرنده و فرستنده باشد ما تماس را تا خاتمه طوفان از دست میدهیم .
- ۱۹- يك واحد توپخانه دور زن ۱۵۵ که نباید خیلی دور از پاسگاه فرماندهی هنگ باشد و حدس میزنم در حدود يك آتشبار باشد . غیر از این چیزی ندیده ام . گردان توپخانه صحرائی ۱ باید در این نزدیکیها باشد . چون همیشه گردان پشتیبانی مستقیم ما بوده اند . خیال میکنم واحد ۱۵۵ بطور کلی از لشکر و حتی از سپاه پشتیبانی میکند .

(اکتشاف)

- ۱- مامور یتیم این بود که معلوم کنم ، جاده ها برای عبور تانکها مناسب هستند یا نه .
- ۲- گروهان تانکهای متوسط .
- ۳- فرمانده تانک هستم .
- ۴- چهارده افسر و ۶۵ سرباز .
- ۵- یازده تانک .
- ۶- گروهان تانک متوسط ، دارای يك دایره فرماندهی با دو تانک ، يك دایره مرمت و سه دسته است که هر يك دارای سه تانک میباشند .
- ۷- امروز صبح از دهکده " گاتز " بطرف شمال در جاده " متز " حرکت کردم تا به محل تقاطع جاده های متز و براتز رسیدم . بعد از آنجا متوجه مشرق شده و وارد جاده براتز شدم .
- ۸- سه تانک .

۹- فکر میکنم بطرف خطوط خودمان برگشتند .

۱۰- بله .

۱۱- وضعیت راه خوب بود . تانکها بدون اشکال میتوانند در جاده های شوسه

هموار حرکت کنند . عرض این جاده ها ۱۵ متر بود .

۱۲- وضع پل خوب بود . دو تانک پهلو پهلو و بدون زحمت از روی آن عبور کردند .

۱۳- هیچ .

۱۴- هیچ کسی را ندیدم .

۱۵- ممکن است غریب بنظرتان بیاید ولی در آن نزدیکی ما تنها کسانی بودیم که مشغول

فعالیت بودیم .

۱۶- راه اسفالته است ، چند دست انداز در راه بود ، ولی تانکها بدون زحمت در

آن حرکت میکردند .

۱۷- ما روی پل نرفتیم ، برای اینکه پل خراب شده بود .

۱۸- یک گذاری در ۵۰ متری شمال پل که مناسب برای عبور تانکها بود ، پیدا کردیم .

ما از این گذار استفاده کرده ، بعد از گذشتن از رود جاده برگشتیم .

۱۹- تقریبا ۱۰ متر .

۲۰- ما از پل دیگری نگذشتیم . فکر میکنم سابقا پل چوبی در آن نقطه واقع شده بود

ولی ظاهرا ویران شده است .

۲۱- ما پی پل گشتیم ولی پلهی پیدا نکردیم- لذا مجبور شدیم پل را که در ۴۰۰ متری

جنوب جاده واقع و خط آهنی از روی آن میگذرد ، بررسی کنیم . اینطور نتیجه

گرفتیم که پل خط آهن برای عبور یک تانک در هر دفعه استقامت دارد . ولی یک

ساعت و نیم طول کشید که سه تانکمان از روی این پل بگذرد .

۲۲- موقعیکه داخل خطوط شما شده بودیم هیچ چیزی مشاهده نکردیم تا اینکه در

محل اسارتان مورد شلیک نفرات شما قرار گرفتیم .

(تیرانداز تفنگ)

قسمت اول

- ۱- اسم " ویلیام ا . جکسن " و سر باز یکم هستم . نمره ترتیبیم ۵۹۶۹۰۴۳۶ است .
- ۲- از هنگ ۶۶۶ لشکر ۹۹۹ هستم .
- ۳- در گروهان الفاز گردان یکم .
- ۴- یک پیاده معمولی هستم .
- ۵- در جوخه سوم از دسته سوم .
- ۶- سه جوخه .
- ۷- حد اکثر نفرات جوخه ما ۹ نفر است . سلاحهای آن عبارتند از تفنگ ۳۰ کالیبری و مسلسلهای دستی ۳۰ کالیبری . همه نفرات جوخه به استثنای د و نفر که دارای مسلسل دستی هستند ، تفنگ دارند .
- ۸- در آن موقع دارای حد اکثر نفراتش بود .
- ۹- بله ، یک جوخه اسلحه داشتیم که دارای د و مسلسل سبک بود .
- ۱۰- بله ، آنها تنها اسلحه های اجتماعی جوخه بود .
- ۱۱- اینطور فکر میکنم .
- ۱۲- باز وکا به ارکان فرماندهی دسته منتقل شده است .
- ۱۳- باید حساب کنم . یک گر و هبان دسته ، یک کمک گر و هبان دسته ، د و امر بر ، یک دسته چهار نفری موشک انداز و فرمانده دسته که یک ستوان است . دسته یک کمک پزشک هم دارد .
- ۱۴- نه ، ستوان دیروز در اثر اصابت گلوله کشته شد و یکی از افراد تازه وارد دسته باز وکا در اثر عقب زدن آتش، باز وکا سوختگی پیدا کرد و بعقب جبهه منتقل گردید .
- ۱۵- سه دسته پیاده و یک دسته اسلحه سنگین .
- ۱۶- آنها یک قسمت خمپاره انداز و یک قسمت تفنگهای عقب نزن داشتند .
- ۱۷- بله ، تفنگهای ۵۷ میلیمتری .
- ۱۸- سابقا سه خمپاره انداز و سه تفنگ عقب نزن موجود بود ولی حالا نمیدانم چندتا موجود است .

- ۱۹- بطور قطع نمیدانم، ولی شنیدم آنها صحبت از دسته دفتر فرماندهی میکردند
 بنابراین فکر میکنم، نفرات آنها در حدود ۴۰ نفر باشد.
- ۲۰- تنها سلاحهایی که من از آن اطلاع دارم، مسلسل سنگین ۵۰ کالیبری و یک
 بازو کاست. حدس میزنم گروهبان یکم و آشپزها آنها را در موقع ضرورت
 بکار میبرند.

- ۲۱- گروه ارتباطات، راننده ها، مصدر سرهنگ و یک منشی گروهبان.
- ۲۲- شنیدم رئیس ارکان میگفت، ۲۰۰ سر نیزه برای سربازهای دشمن حاضر داریم.
 این قریب و هفته پیش بود.

(تیرانداز تفنگ)

قسمت دوم

- ۲۳- ما رادیوهای مدل ۵۳۶ و مدل ۳۰۰ و تلفن داشتیم.
- ۲۴- یک تلفن مخصوص و یک رادیوی مدل ۵۳۶ داشتیم.
- ۲۵- آنها دست کم یک، شاید هم دو تا تلفن ۸ یی و یک یا دو تا رادیوی مدل
 ۳۰۰- رسیس داشتند.
- ۲۶- تا آنجائیکه اطلاع دارم، نه.
- ۲۷- خیلی کوچک و عبارت بود از تکه هائیکه در موقع رسیدن پیغام روشن میشدند
 اسم آنها را نمیدانم.
- ۲۸- ما یک کامیون آشپزخانه (۶×۶) و سه چهار جیب داشتیم. فکر میکنم هر یک از
 جیبها یک اطاقک داشت.
- ۲۹- کامیون آشپزخانه دو تن و نیمی و جیبها یک چهارم تنی بودند.
- ۳۰- بله، دو تا از آنها در دسته اسلحه سنگین بودند و بقیه برای ارسال مهمات
 به دسته های پیاده و انتقال زخمیها بکار برده میشدند ولی هیچ یک از دسته های
 پیاده دارای وسایل نقلیه همیشگی مخصوص نبودند.
- ۳۱- بله، سابقا داشت ولی برای تعمیر به اداره ساز و برگ جنگی فرستاده شد.
 از گروهبان دسته شنیدم که میگفت، حالا که افسر فرمانده باید هر روز مسافتی
 پیاده روی کند، مقداری پیه هایش را آب خواهد شد.

- ۳۲- سروان اسمیت .
- ۳۳- ما فکر میکردیم که او آدم نسبتا با هوشی بود و همیشه با نفراتش بخوبی رفتار میکرد ولی قدری تنبل بود . می گذاشت رئیس ارکان کارهای اکتشافی را انجام بدهد . یا کارهای گشتی را بعهده او می گذاشت .
- ۳۴- اسمشرستوان " میلر " بود . آدمی واقعا حسابی است .
- ۳۵- همه را بجز فرمانده دسته ای که من در آن بودم .
- ۳۶- ستوان مارتینز فرمانده دسته یکم بود ، ستوان " انیل " فرمانده دسته چهارم . فرمانده دسته دوم نمیدانم کی بود - یک افسر تازه ای که مستقیما از مرکز نیروی تعویض و کمکی فرستاده شده بود .
- ۳۷- سرهنگ " ژرز " فرمانده هنگ و سرلشکر ویلسن فرمانده لشکر بود . اسم فرمانده گردان یادم نیست - سرهنگ دوم تازه واردی بود .
- ۳۸- بیشتر وقتها خیلی خوب بود .
- ۳۹- ماه پیش برای مدت یکی دو هفته ، موقعیکه خوراک کافی در گر وهان نداشتیم ، همه کم و بیش ناراضی شده بودند . بعلاوه موقعیکه سرما شروع شد و ما هیچ پوتین زمستانی نداشتیم ، اوقات همه مان تلخ شده بود ولی بالاخره رسید .
- ۴۰- نه ، چندان بد نبود تا اینکه دیروز ظهر توپخانه شما قریب شش هفت نفر را زخمی کرد . گلوله های ۱۰۵ تان دیروز بعضی از سربازان ما را که در سنگر نبودند ، غافلگیر کرد .
- ۴۱- در حدود ساعت چهار و نیم بعد از ظهر ، درست موقعی که غذا حاضر شده بود .
- ۴۲- بنحیر از دسته پیشتر اول که غذا بیشتر عبارت از غذای جیره بود ، همه ما سه مرتبه در روز و تقریبا هر روز خوراک گرم داشتیم .

(تیرانداز تفنگ)

قسمت سوم

- ۴۳- آنها در موضع جوخه در خط اصلی مقاومت مستقر بودند .
- ۴۴- بله ، و نفرات جوخه من در طرف چپ خط بودند .
- ۴۵- یادم است یک مسلسل سبک در محوطه جوخه دوم و یک موشک انداز ۳/۵ م م در جوخه ۱ نزد یک جاده دیدم .

- ۴۶- دسته یکم طرف چپ ما و دسته دوم قریب ۳۰۰ متر جلوی خط اصلی مقاومت در محل پاسداری قرار داشتند . فکر میکنم دسته اسلحه سنگین میان دستجات دیگر تقسیم شده بود .
- ۴۷- در حدود ۳۵۰ متر .
- ۴۸- گردان سوم طرف راست دسته من و گروهان ث ، طرف چپ گروهان ما قرار داشت .
- ۴۹- فکر میکنم قسمت دیگر لشکر طرف چپ گروهان ث بود . شنیدم که واحد ۸۸۸ چتر باز در آنجا موضح گرفته بودند .
- ۵۰- نه ، آن قسمت تا چند روز قبل بکلی بروی دشمن باز بود .
- ۵۱- میدانم که گروهان " بیکر " در خط جبهه نبود . گروهان " داک " يك قسمت آتشبار سنگین در سمت چپ ما داشت . تمام اسلحه هائی که دیدم اینها بودند .
- ۵۲- نه ، هیچ چیز نشنیدم . بما گفتند يك قسمت دیگری ابتکار عملیات را برای مدتی در دست خواهد گرفت . لشکر ما در نظر داشت صبر کند که اگر واحدهای شما تصمیم بحمله گرفتند ، حسابشانرا برسد .
- ۵۳- البته .
- ۵۴- در جلو خط اصلی مقاومت سیم خاردار دوپشته بود - سه نرده محکم . من اینرا میدانم چونکه دیشب موقعیکه گشتیهای شما مرا اسیر کردند ، مشغول تعمیر آن بودم .
- ۵۵- در حدود ۵۰ یارد .
- ۵۶- ما همیشه از راهی که از جایگاه دسته ما گذشته و بطرف راست محل پاسداری میپیچد ، عبور میکردیم . از هیچ راه بیخطر دیگری که از خط اصلی مقاومت بطرف جلو بگذرد ، اطلاعی ندارم .
- ۵۷- بله ، يك ردیف سیم خاردار طولانی و يك گودالی هم آنطرف سیم خاردار در ست طرف راست محل پاسداری وجود دارد .
- ۵۸- فکر میکنم چند اخگر آنجا بود ولی مطمئن نیستم .
- ۵۹- بله ، کاملاً زیر هدف قرار گرفته بود . دو مسلسل سنگین ۰/۳ کالیبری ، بازوگا ، مسلسل سبك و يك دیده بان مقدم از قسمت ۶۰ همه آنرا زیر هدف و

- تحت نظر داشتند . حتی تانکهای ۴۸-م هم نمیتوانستند از آن جاده بگذرند .
- ۶۰- بالای تپه ای که پشت سر ماست و سر راه پاسداری کر وهان .
- ۶۱- درست سر تپه ای که پشت سر دسته ما بود ، قرار داشت و بقدری خوب استتار شده بود که اگر در چند قدمی آن نبودید ، نمیتوانستید آنرا ببینید .
- ۶۲- هیچ اطلاعی راجع به آن ندارم .
- ۶۳- محل خمپاره اندازها در آتشیبار پشت تپه و نزدیک محل فرماندهی کر وهان بود . آتشیخانه مان هم در آنجا بود .

(تیرانداز تفنگ)

قسمت چهارم

- ۶۴- بله ، جزوی از خط مقاومت پاسداریست .
- ۶۵- سابقا یک تفنگ ۷۵م موجود بود ، ولی نمیدانم که هنوز هم آنجا هست یا نه . دسته من یک هفته پیش از محل دیده بانی خارج شد .
- ۶۶- بله ، متعلق بکر وهان " د " است .
- ۶۷- بله ، یک دیده بان مقدم - ۸۱م در سر برجستگی ، طرف راست قرار داشت .
- ۶۸- بله ، ولی او میتواند از توپخانه و خمپاره اندازهای ۲/۴ اینچی تقاضای آتش کند .
- ۶۹- حلقه هائی از سیم خاردار نوع حلقوی بشکل اهرام در اطراف تپه تعبیه شده بود . بعلاوه گیره هائی به آن وصل شده بود که اگر کسی به آن دست میزد ، گیره رها شده و موشک اخطار روشن میشد .
- ۷۰- نه کاملاً دور آن نبود ولی از پای تپه تا مانعی که در سر راه گذاشته شده ، در طرف مشرق و تا تپه دیگر در طرف غرب ، مین گذاری شده است .
- ۷۱- نه ، یک خمپاره انداز ۶۰ میلیمتری روی آن نشانه رفته بود . روزی که من وارد آنجا شدم ، این محل زیر آتش خمپاره قرار گرفت و همه ما مجبور شدیم از سنگر - هایمان بحال دراز کش بیفتیم که مورد اصابت پاره های خمپاره قرار نگیریم .
- ۷۲- شکافهائی در آنها داشتیم که بوسیله آنها میتوانستیم بدون خارج شدن از سنگر - ها تیراندازی کنیم - ولی مواضع جنگی اصلی عبارت از سنگری بود که دایره وار بدور خط الراس نظامی تپه کشیده شده بود . دور تا دور دیوار مستحکمی داشتیم که از همه طرف محفوظ بودیم .

- ۷۳- نه ، همه کشتیها از خط اصلی مقاومت یا از واحدهای احتیاط آمده بودند .
- ۷۴- تنها راهی که من میدانم راهی بود که بطرف پائین جاده میرفت و از آنجا بطرف مغرب ، بین میدان مین گذاری شده و دیده گاه میپیچید .
- ۷۵- تقریباً چهار پنج نفر .
- ۷۶- من هیچوقت برای دیده بانی نرفتم ، برای اینکه سخت سرفه میکردم و ستوان میگفت رفتن من ممکن است موقعیت دسته ما را بخطر بیندازد . تنها چیزیکه شنیدم این بود که هر دسته میبایستی عهده دار دیده بانی جنگی و اکتشافی بشود . حالا که لباسهای زمستانیمان رسیده است ، فکر میکنم گشتی غافلگیر را هم شروع خواهیم کرد .
- ۷۷- عرض کنم ، در گذشته ما همیشه در تحت حمایت آتش توپخانه یکم بوده ایم- بنابراین فکر میکنم توپهای ۱۰۵ کالیبری آنها عهده دار این وظیفه اند .
- ۷۸- شنیدم توپهای ۸ اینچی پشت سر ما هستند ، اما هیچوقت آنها را در حال آتش ندیدم .
- ۷۹- هنگامیکه گر و هان تانک دارد ولی من فقط یک مرتبه آنها را در حال تیر اندازی دیدم و آن وقتی بود که آنها از عقب جبهه بخط جبهه آمدند و چهار تیر شلیک کردند .
- ۸۰- گر و هان دسته گشت ، آنها مدل مخصوصی با توپ ۷۶ میلیمتری هستند .
- (تیرانداز تفنگ)
- قسمت پنجم
- ۸۱- اسم آندره میخائیلویچ پتروف و سر بازم .
- ۸۲- ارکان گر و هان پیاده اول ، گردان ۲ ، هنگ پیاده ۴ لشکر ۱۰۱ پیاده ۱ .
- ۸۳- راننده هستم .
- ۸۴- کامیون گاز (۴×۴) - ۶۷ و همچنین میتوانم کامیونهای گاز (۲×۴) - ۵۱ را برانم .
- ۸۵- موتور معمولی چهار سیلندر که بنزین مصرف میکند .
- ۸۶- رادیاتور دارد و آب در آن میریزیم .
- ۸۷- میدانم ، ما نباید بیش از ۴۰ کیلومتر در ساعت در جاده های آسفالت برانیم .

۸۸- من سر وانرا با آن به اطراف میبردم . مثل یکی از بیسهای شماست .

۸۹- فقط پیا سناه فرماندهی در دان و به کر وهان ۲ .

۹۰- ۱۵ کیلومتر در شمال آن نقطه ایکه مراد ستگیر کردید و من دیدم و از آنجا بودم .

۹۱- در چهار راهی که مراد ستگیر کردید ، برای اینکه بگر وهان من بروید باید

بمغرب تا چهار کیلومتر بروید تا بهل چوبی برسید . از آن عبور کنید و از

زمینی که درختهای آنرا بریده اند تا از سرایت آتش بد درختهای هجوار جلوگیری

شود ، بدست راست پیچیده ، داخل دره بازی میشوید . سی متر در طول مسیلی

که آنجا ست بروید . پاسگاه فرماندهی در سمت راست شما در نصفه سر اشیبی تپه

واقع است .

۹۲- جاده از پست فرماندهی تا چهار راه شوسه و خاکبست . ولی از چهار راه

بطرف شمال اسفالت شده است .

۹۳- خبر ندارم ، زیرا فرمانده کر وهان هیچوقت آنجا نرفت و من هم هیچوقت

چیزی راجع به آن نشنیده ام .

۹۴- يك هفت تیر داشت . خیال میکنم از نوع (ت ت م - ۱۹۳۳) توکار و بود . يك

دفعه از نزدیک به آن نگاه کردم . آنها اسلحه مرا گرفتند ، من راجع به آن بیشتر

از هفت تیر اطلاع دارم . من يك مسلسل دستی ۷/۶۲ م م از نوع (پ پ س -

۱۹۴۳) داشتم . بسیار اسلحه خوبی بود . قنذاق آن بخود آن لولا شده است ،

تا میشود و به آسانی حمل میشود . اگر آنرا کم میکردم میتوانستم از یکی از

سربازهای دیئر ارکان بگیرم ، چون تمام افراد یکی از آن نوع دارند .

۹۵- چیزی راجع به دستاه نشانه روی آن بخاطر ندارم ولی سرعت اولیه آن ۱۶۴۰

فوت در ثانیه است . برد موثر آن در حدود ۲۰۳ متر ، طول تمام آن به

اصطلاح شما وقتی قنذاق وصل است ۳۲ اینچ و وقتی تا شده باشد ۲۴ اینچ .

ظرفیت خزانه آن ۳۵۰ فشنگ ، سرعت تیراندازی آن ۶۰۰ تیر در دقیقه و

سرعت تیراندازی عملی آن ۱۰۰ تیر در دقیقه است . تفنگ عقب زن است و با

هوا خنک میشود - چیزی راجع به اسلحه های دیگر واحد نمیدانم و بهمین

جهت است که راننده سر وان هستم .

(افسر ویژه ستاد)

- ۱- من سروان کانتالو و جوان والنسیا او کسپوچی ام .
- ۲- ارکان گروهان هنگ پیاده ۱۵۱ .
- ۳- لشکر پیاده ۶۲ .
- ۴- من افسر ارتباط هنگ هستم .
- ۵- در حدود ۶ هفته .
- ۶- من افسر تعویض بودم ، از آموزش شگاه مخابرات " سون توفن " آمدم .
- ۷- من مسئول ارتباط دائم رادیویی تلفن و تلگراف هنگ هستم .
- ۸- یکی معرف نقشه سیم ها که بطور کر وکی برداشته شده بود و دیگری نقشه سیم - کشی مخابرات است .
- ۹- نقشه ایست که تمام ایستگاههای رادیویی و سیمی را در شبکه نشان میدهد . و همچنین نشان میدهد طرز تماس پیدا کردن با ایستگاههای مخصوص کد است .
- ۱۰- من خودم شخصا این مدارک را برای تحویل بیکی از افسران گردان ارتباط میبردم و گم شدم و کشتیهای شما مرا گرفتند .
- ۱۱- معمولا در ست است . فرمانده لشکر ، سرلشکر جرمینو که عهده دار فرماندهی لشکر است ، تصمیم گرفت که مخابرات و مهندسی دسته های بهداری برای این عملیات وابستگی مستقیم با ستاد هنگ داشته باشد .
- ۱۲- بطوریکه میدانم برای دلایل اداری بود .
- ۱۳- فقط برای این عملیات .
- ۱۴- ۵ افسر و ۴۰ سرباز .
- ۱۵- همه آنها .
- ۱۶- من فرمانده هستم و البته جز و افسران هنگ هستم .
- ۱۷- البته يك ستوان بصفت معاونت خود دارم که ارکان دسته ها را اداره میکند . ستوان دیگری که جوخه رادیو زیر دست اوست و دو ستوان دیگر که بترتیب ماهور قسمت مرمت شبکه و سیمها هستند .
- ۱۸- خیال میکنم نمیتوانید اسمش را " ۸ یی " بگذارید .
- ۱۹- چندین نوع . ولی آنکه از همه بیشتر احتمال میشود نوع ۱۱۰ میباشد .

۲۰- (ف م - ۵۱۰) .

۲۱- کابالرو .

۲۲- سرهنگ ر اماروس و لنتی کنستانتو راموند .

۲۳- سرهنگ ۲ فرناندو ر برتو کابرا .

۲۴- وقتی فرمانده حضور ندارد ، سرکرد کارهای مربوطه را انجام میدهد . در

مواقع دیگر خود شخصاً بجزئیات کارهای حوزه فرماندهی اثرر سیدکی میکند .

۲۵- در بلیسک است .

۲۶- مقصودتان رئیس امور ادار است . اسمش سرهنگ ۲ مانوال ولار و عهده دار

کارهای اداری مربوط به اعضاء است . کارهایی از قبیل گذارشات در صبح ،

گذارشات مربوط بعد از نفرات حاضر و تلفات ، درخواست مرخصی افسران ،

درخواستهای تعویض و غیره را تهیه میکند .

۲۷- سروان فیلیپی رادریگوز کنستانتی است . او در مقابل سرهنگ مسئول تمام

تعلیمات هنگ است . بعلاوه تهیه نقشه های مفصل عملیات صحرائی نیز بعهده

اوست .

۲۸- درست است . او مسئول است . افسر عملیات و تعلیمات عهده دار جزئیات

آن است .

۲۹- سرگرد پدر و فولوچنی افسر اطلاعات است . اولین وظیفه او گردآوری اطلاعات

از دشمن است . مقاصد شرشرایط جوی و اراضی که دشمن آنها را در جلوی

خطوط ما اشغال کرده است میباشد . و این اطلاعات را در یک گذارش مبسوط

برای سرهنگ تدوین مینماید .

۳۰- سروان انتونی گانزالس فقط افسر تدارکات نیست بلکه رئیس ستاد هنگ هم هست .

کارهای از بغیر از تدارکات شامل کارهای اداری ستاد ، تامین خواربار ستاد

و مسئول نگاهداری و حفظ اتومبیلهای گرو و همان هم هست .

۳۱- سروان جرجی سا باستیان مارتینی ، فرمانده دسته پزشکی است . او عهده دار

توجه و معالجه بیماران و زخمیهاست . همچنین برای تخلیه و ارسال نفراتی

که سخت ناخوشند یا زخم شدید دارند به بیمارستانهای صحرائی بوسیله گرو و همان-

های امبولانس ترنیتی میدهد .

۳۲- سروان پدر و کار تاجینا فرمانده است. در ارتش شما بطوریکه میدانم مهندس بیشتر جاده سازی، مین گذاری و کشیدن سیمهای خاردار و غیره را انجام میدهند. در قوای مهاجم، مهندسين كاملا متخصص هستند. آنها دستوراتی به نفرات رزمی برای مین گذاری و ساختن پلهای کوچک برای عبور افراد پیاده و وسائط نقلیه سبك میدهند. حدودشان مینها را جمع میکنند و استحکامات مخصوص را میسازند و راهها را مسدود میکنند. همچنین تروهی برای خراب کردن و از بین بردن بوسیله مواد شدید انفجار دارند. این مواد تخریبی بشکل و منظور، انفجار بيك سو، چند يه لوله دینامیت و چندین نوع دیگر برای تخریب ساخته شده اند.

۳۳- سنگرهای سمنتی و همه نوع موانع دیگری که پیشرویی ما را عقب بیندازد.

(خصوصیات زمین)

قسمت اول

۱- ۷۳۳۲۱۱۶.

۲- بله.

۳- در محل تقاطع دورودخانه.

۴- از آنطرف رودخانه.

۵- از آنکه از همه بزرگتر است. اسمش را نمیدانم.

۶- از کنار رودخانه در محل برجستگی زمین.

۷- این جائیست که ساحل رودخانه توی رودخانه جلو رفته است. در این نقطه يك

سد شنی است که از يك سمت رودخانه بسمت دیگر میرود و این کنار خیلی خوب را

تشکیل میدهد.

۸- غیر از جاهای دیگر رودخانه عمق این محل بیشتر از يك متر نمیتواند باشد.

۹- شب پیش، وقتی که اینطرف آمدیم، در حدود يك متر و نیم عمق داشت.

۱۰- حدس میزنم عرض آن ۴ تا ۵ متر باشد.

۱۱- بنذاريد ببینم، خیال میدنم دو متر از ساحل رودخانه که بسمت ماست.

۱۲- نمیدانم مقصودتان از کلمه ماموریت چیست.

- ۱۳- راستش اینسته من مطمئن نیستم . نروهبان بمانت ما برویم و ببینیم که امریکاییها چیزی در برجستگی زمین در محل تقاطع دورودخانه دارند یا نه .
- ۱۴- نمیدانم . بعد از آنکه بطور خزیده بنار ف ساحل رودخانه آمدیم ، من کم شدم و وقتی دنبال کشتیهایمان می‌گشتم ، دستگیر شدم .
- ۱۵- رویه گرفته ۸ نفر کشتی بودیم .
- ۱۶- همه مان از دسته دوم نروهبان اول بودیم .

(خصوصیات زمین)

قسمت دوم

- ۱۷- افسر اطلاعات کردان به او ماموریت داد .
- ۱۸- در حدود چهار بعد از ظهر .
- ۱۹- در پشت تپه .
- ۲۰- بگذارید ببینم ، در خط الراس تپه مقداری از تخته سنگهای تپه نمایان است . رودخانه از این نقطه دیده میشود .
- ۲۱- جنگلیست که قبلا بشما گفتم . در حقیقت پاسگاه فرماندهی نزدیک حاشیه غربی قسمت باز جنگل واقعست . بنظر میاید که چند مسیل در آنجاست . (مقصود از مسیل اینستکه فقط در مواقع بارانی آب دارد) . در کف مسیل جاده شوسه ای ساخته اند که فرماندهی منتهی میشود .
- ۲۲- راهی که از "اکس" میاید به این نقطه خیلی نزدیک است .
- ۲۳- یک پل کوچک در جاده است . پل روی مسیل ساخته شده . از جاده خارج شده توی مسیل سمت راست باید رفت . فرماندهی در حدود ۷۵ متر از جاده فاصله دارد .
- ۲۴- آنطرف نروهبان و سمت "اکس" .
- ۲۵- بله .
- ۲۶- جنگلی ندیده ام ، مقداری درخت در اطراف نروهبان ماست ، غیر از آن در آن حدود چیزی نیست .
- ۲۷- در حدود نیم کیلومتر تقریبا بخط مستقیم از جبهه است .

۲- تقریبا مستقیم بجنبه است . راهی که نزدیک گردان وجود دارد ، تقریبا همین فاصله را از گردان و گروهان دارد .

۲۹- همینطور که قبلا گفتم ، در جنگلی در سواشیبی اینطرف است . دستجات ما در کنار رودخانه هستند . پرمی بینید که از رودخانه چندان دور نیست .

۳۰- شاید يك تپه بزرگی نیست . فکر میکنم که انتهای دنباله رشته هائیسست که تقریبا بین گروهان و "اگس" است . يك دره کوچکی در پشت تپه است که پاسگاه فرماندهی در آن واقع است . تپه بهر تگاهی منتهی میشود که پائین آن دره تنگی است . بطوریکه دیدم مقدار زیادی غار طبیعی در آن دره وجود دارد . در آن نقاط مهمات و تدارکات را پنهان میکنیم . بعضی از خمپاره اندازهای هنگی در این دره بین پست فرماندهی گروهان و جاده قرار دارند . همچنین دره و رودخانه موازی هستند و يك راه باریکی از این دره تقریبا برودخانه میرود . اینطور شنیدم که این کف قدیمی رودخانه است . دسته من درست در انتهای این راه باريك و از همه برودخانه نزدیکتر است .

(خصوصیات زمین)

قسمت سوم

۳۱- دسته من از جاده دست راست تا خم رودخانه که زمینهای مرتفعی دارد ، کشیده شده است . رودخانه يك طرف ساحل را بریده و پرتگاهی درست کرده است . این پرتگاه در جناح چپ دسته من است . دسته اول در سمت چپ ما و در اراضی که وقتی مزروعی بوده ، قرار دارد . خیال میکنم حالا مقداری بوته و علف هرز در قسمتهای پست ایم منطقه هست . دسته اول در گودی کنار رودخانه قرار دارد . بطوری موضع دارند که اسلحه های خودکارشان بتواند از هر طرفی که دشمن بیاید ، او را مورد شلیک قرار دهند . يك راه خیلی باریکی در آنجا هست که موازی رودخانه است . آن دسته بین این راه و رودخانه سنکر بسته است . دسته دیگر ما بحال آماده در نزدیکی پست فرماندهیست .

۳۲- این گروهان دوم گردان ماست .

۳۳- بگذارید ببینیم ، چند روز پیش آنجا بودم که برادر مرا ببینم . خیال میکنم بیادم هست که و هان چطور موضع گرفته است . یک دسته درست نزدیک جاده است . زمین در این نقطه کاملاً هموار است ، درست مثل یک چمنزار . دسته از جاده تا باطلاق سنگر بندی کرده است و از تپه های کوچک و زمین های مرتفع تا آنجائی که میشود استفاده شده است . استتار آنها خیلی خوبست . یک مسلسل در حدود ۲۰ متر از جاده موضع گرفته است ، بنظر میاید که صخره ای است و فقط از نزدیک ممکنست آنرا تشخیص بدهید .

۳۴- دسته دوم در طرف دیگر چمنزار است ، آنها در باطلاق هستند . برادرم در این دسته است و میفقت که افراد موضعشانرا دوست ندارند . نهر کوچکی از توی مرداب برود خانه منتهی میشود . دسته برادر من در این فرورفتگی زمینست . دسته دیگر نمیدانم کجا واقعتست .

۳۵- نمیدانم ، شنیدم برادرم میفقت دستجات ما زبان آنها را درست نمیفهمند .

۳۶- بطوری باطلاقیست که آنها باید از تپه های کوچکی که در اطراف پراکنده شده برای موضع گرفتن استفاده کنند . جای بسیار کثیفی است .

۳۷- مطمئناً نمیدانم . اینطور شنیدم ، یعنی از افراد اظهار میداشت وقتی او رفته بود از معدن سنگهای خرد شده بیاورد ، دیده بود که از هنگ ماه هستند ولی نمیدانست از کدام گردان . من راجع به آن واحد چیزی نمیدانم .

(خصوصیات زمین)

قسمت چهارم

۳۸- آن در عقب نزدیک "اتس" است .

۳۹- دور روز پیش .

۴۰- بگذارید ببینیم ، از راهی که داخل پاسگاه فرماندهی میشودیم اتس را میتوانیم ببینیم . در حاور پست فرماندهی بود . بله ، شهر در روی یک فلات است و از فاصله نسبتاً دوری دیده میشود . میدانید که لشکر آنجاست .

۴۱- بسیار خوب ، من از محوطه گردانم ساعت ۵ صبح بطرف جاده راه افتادم

۴۲- اینراه به طرف راست موضع ما که به طرف اتس میرود ، منتهی میشود .

۴۳- وقتیکه بجاده رسیدم ، بطرف راست رفتم . تقریباً نیم دیلومتر بطرف سر بالائی رفتم . در این نقطه نگهبان جاده ایکه در آن موانع نصب کرده بودند ، بمن ایست داد .

۴۴- این يك كانال قدیمیست که بمن گفتند يك چاله ضد تانک خوبیست . راه از روی پل میگذرد . در طرف دیگر پل چند تا درخت کوچک سبز شده است . آنجا يك توپ ۷۶ میلیمتری (ا ت) است و خیال میکنم يك جوخه از افراد در آنجا پایگاه دارند . در آنجا مزارعی هست . مهندسين مقدار زیادی سیم خاردار در آنجا کشیده اند . سیم خاردار در دو طرف كانال کشیده شده ، بیاد من نیست که اخگری در آن نقطه هست یا نه .

۴۵- يك دفعه بله . ما آنها را هفته گذشته بخارج فرستادیم . در حال حاضر کسی آنجا زندگی نمیکند ولی هنوز بعضی از اهالی در اطراف زندگی میکنند .

۴۶- پس از اینکه شناسنامه ام را بنگهبان نشان دادم ، براه خود ادامه دادم . راه را تا خط الراس طبیعی رفتم و وقتی ببالا رسیدم خیلی تشنه و گرم شده بود . در کلیسیا و قبرستان بالای تپه يك چاه هست ، در آنجا آب خوردم ، يك سیباز درخت چیدم و استراحت کردم . خیال میکنم آنجا نشستم و به اطراف نگاه کردم . در افق چندین کوه بلند دیدم . یکی از آنها بینهایت بلند بود . قله آن از پشت درختها بیرون آمده بود . بین کوه و نقطه ای که نشسته بودم يك دریاچه قشنگی دیده میشد . خیلی بزرگ نبود ولی خیلی قشنگ بود . میتوانستم با چشم مسیر رودخانه را که بسرعت بدریا میریخت دنبال کنم .

۴۷- راه را بطرف ستاد هتک ادامه دادم . از همان راه تا پائین تپه رفتم . این تپه قسمتی از رشته کوه است . راه در زمین بطرف پائین سرایشی ملامی دارد . زمین آنجا ناهموار یهای کوچکی دارد . تنه درختها ئیکه برای جلوگیری از سرایت آتش بد دیگر قسمتها ی جنگل بریده شده بود ، در آنجا پر بود . چمن - زارهای زیادی در اطراف بود . راه با جاده دیتری عموداً تقاطع میکند . پاسگاه فرماندهی درست در عقب کوه مرتفعیکه در گوشه چهار راه جنوب شرقی است ، واقع شده است . راهیکه به سمت فرماندهی منتهی میشود در امتداد اینکوه و درست نزدیک راهیست که من در آن بودم .

در آنجا آبگیری کوچک ده از يك چشمه تولید شده بود ، یافت میشود .
چادر فرماندهی در ست در نزد يك این نقطه است . این تقریباً چیز است که
راجن بستاد هنگ میدانم .

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

پایان

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

LIBRARY OF CONGRESS



0 033 261 346 7

